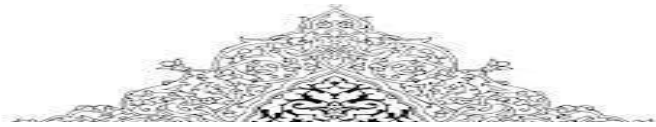




جمهوری اسلامی ایران

مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

اندیشکده آب، محیط‌زیست، امنیت غذایی و منابع طبیعی



مبانی اختصاصی پیشرفت در حوزه آب، محیط‌زیست، کشاورزی و منابع
طبیعی و مسائل اساسی در این حوزه



رهبر فرزانه انقلاب اسلامی
در خصوص الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
در دیدار استادان دانشگاه‌ها و مراکز علمی، ۹۲/۰۵/۱۵:
«دستورکار قطعی نظام جمهوری اسلامی؛
دنبال کردن الگوی پیشرفت ایرانی اسلامی است»

مبانی اختصاصی پیشرفت در حوزه آب، محیط زیست، کشاورزی و منابع طبیعی و مسائل اساسی
در این حوزه
صاحب امتیاز: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
تلفن: ۸۸۶۳۴۰۰۷
مرداد ماه ۱۳۹۴

فصل اول

- ۱۱ مسائل اساسی موجود در حوزه آب، محیط‌زیست، کشاورزی و منابع طبیعی ۱۱
- ۱- نداشتن یک جهت‌گیری و راهبرد جامع و بلندمدت (استراتژی) مورد وفاق ملی با توجه به قابلیت‌ها و محدودیت‌های کشور ۱۲
- ۲- نبود یک نظام تدبیر (حکمرانی مطلوب) برای مدیریت یکپارچه و بهره‌برداری بهینه از آب، محیط‌زیست و منابع طبیعی ۱۳
- ۳- تخریب منابع طبیعی، تنوع زیستی و ذخایر توارثی و تغییر بی‌رویه کاربری اراضی ۱۴
- ۴- بهره‌وری پایین در استفاده از آب و خاک، نهاده‌ها و سایر عوامل نظیر نیروی انسانی، انرژی، ماشین‌آلات و ۱۴
- ۵- کم توجهی به معیارها و ارزش‌های زیست‌محیطی و مدیریت آلاینده‌ها، پسماندها و باقی‌مانده سموم و مواد شیمیایی ۱۵
- ۶- ناکارآمدی و گستردگی ساختار اجرایی و تصدی‌گری و دخالت بیش از حد دولت و کم توجهی به سرمایه‌های اجتماعی ۱۶
- ۷- نارسایی‌های عمده در سامانه‌های تولید و مدیریت اطلاعات برای پایش و ارزیابی کمی و کیفی وضعیت موجود ۱۶
- ۸- کامل نبودن زنجیره تولید، عرضه، مصرف و بازاریابی محصولات ۱۷
- ۹- کم توجهی به سلامت غذا و عدم رعایت الگوی مناسب تغذیه ۱۷
- ۱۰- وجود ضایعات زیاد در استفاده از تولیدات و عدم رعایت الگوی مناسب مصرف ۱۸

۱۱- ناکارآمدی نظام ترویج و کم توجهی به نظام نوآوری و خلاقیت و پیوند دانش بومی با فناوری‌های نوین	۱۸
۱۲- ناکافی بودن سرمایه‌گذاری دولتی، خصوصی و خارجی به علت ماهیت خطرپذیری فعالیت در این حوزه	۱۹
۱۳- عدم آگاهی لازم و کافی برای مقابله و سازگاری با اثرات تغییر اقلیم و پیامدهای آن	۱۹
عناوین مسائل اساسی فرا حوزه‌ای	۲۰

فصل دوم

مبانی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در حوزه آب، محیط‌زیست، کشاورزی و منابع طبیعی	۲۳
۱- تعامل امانت‌مدار انسان با طبیعت درصیانت از محیط‌زیست و رعایت حقوق کلیه اجزاء و عناصر آن	۲۳
۲- بهره‌برداری بهینه و عالمانه از نعمت‌های الهی (آب، خاک، هوا، گیاهان، جانوران) برای کاربری‌های کشاورزی، صنعتی، بازرگانی و خدمات در چارچوب توان بوم‌شناختی کشور	۲۴
۳- ارتقاء شرایط زندگی و درآمد تولیدکنندگان با مشارکت و رعایت حقوق اجتماعی، آزادی و کرامت آنان	۲۴
۴- ارتقاء امنیت غذایی و بهبود سلامت جامعه با اتکا به تولید پایدار و کاربرد فناوری‌های نوین	۲۴
۵- حفظ و گسترش سرسبزی عرصه‌های مختلف کشور به‌منظور کاهش بلایای طبیعی، تداوم حیات، تأمین امنیت خاطر و نشاط جامعه	۲۵
۶- سازگاری پویا و پایدار با شرایط اقلیم خشک و نیمه‌خشک کشور و مقابله با اثرات تغییرات اقلیمی از طریق تولید و پیوند فناوری‌های نوین و بومی مورد نیاز	۲۵
۷- صادرات با توجه به مزایای رقابتی محصولات و خدمات فنی و مهندسی	۲۶
۸- استقرار جمعیت متناسب با منابع خدادادی، شرایط اقلیمی و آمایش سرزمینی	۲۶
روش‌شناسی تدوین مبانی	۲۸
بحث و نتیجه‌گیری	۲۹
کشاورزی و تولید غذا از نگاه قرآن مجید، احادیث و روایات	۲۹
نگرش اسلام به طبیعت و محیط‌زیست	۳۲

- مبانی اختصاصی الگو در حوزه آب، محیط‌زیست، کشاورزی و منابع طبیعی..... ۳۴
- ۱- تعامل امانت‌مدار انسان با طبیعت درصیانت از محیط‌زیست و رعایت حقوق کلیه اجزاء و عناصر آن..... ۳۵
- ۲- بهره‌برداری بهینه و عالمانه از نعمت‌های الهی (آب، خاک، هوا، گیاهان، جانوران...) برای کاربری‌های کشاورزی، صنعت، بازرگانی و خدمات در چارچوب توان بوم‌شناختی کشور..... ۳۷
- ۳- ارتقاء شرایط زندگی و درآمد تولیدکنندگان با مشارکت و رعایت حقوق اجتماعی، آزادی و کرامت آنان..... ۳۸
- ۴- ارتقاء امنیت غذایی و بهبود سلامت جامعه با اتکا به تولید پایدار و کاربرد فناوری‌های نوین..... ۳۹
- ۵- حفظ و گسترش سرسبزی عرصه‌های مختلف کشور به‌منظور کاهش بلایای طبیعی، تداوم حیات، تأمین امنیت خاطر و نشاط جامعه..... ۴۰
- ۶- سازگاری پویا و پایدار با شرایط اقلیم خشک و نیمه‌خشک کشور و مقابله با اثرات تغییرات اقلیمی از طریق تولید و پیوند فناوری‌های نوین و بومی مورد نیاز..... ۴۱
- ۷- صادرات با توجه به مزایای رقابتی محصولات و خدمات فنی و مهندسی..... ۴۲
- ۸- استقرار جمعیت متناسب با منابع خدادادی، شرایط اقلیمی و آمایش سرزمینی..... ۴۳

پوست

- پیشنهادات ارائه شده در نشست‌های اندیشکده در مورد تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت حوزه آب، محیط‌زیست، امنیت غذایی و منابع طبیعی..... ۴۷
- مقدمه..... ۴۷
- نکاتی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران..... ۴۸
- پیشنهادات در نشست‌های اندیشکده..... ۴۹

پیشگفتار

نقشه جامعی که به‌عنوان الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی هدف و سمت حرکت، شیوه حرکت و نحوه رفتار جامعه را برای تحقق یافتن تحول تکاملی بیان می‌کند دارای سرفصل‌های قابل توجهی است که مواردی نظیر تبیین وضعیت مطلوب، شاخص‌ها؛ معیارها؛ راهبردها؛ ساختارها و نظام ارزیابی و نظارت را دربر می‌گیرد. از جمله اقداماتی که در مسیر پاسخگویی به این موارد و منطبق با نقشه راه و فرآیند طراحی، تدوین، تصویب و پایش الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به اندیشکده‌ها محول شده است، آسیب‌شناسی روند گذشته کشور و تحلیل و جستجوی علل عدم دستیابی به آرمان‌ها؛ تحلیل تجربیات جوامع توسعه‌یافته و یافتن عوامل مشترک در توسعه این کشورها و سپس تدوین مبانی پیشرفت در حوزه اختصاصی مربوط به هر یک از اندیشکده هاست.

اندیشکده آب، محیط‌زیست، امنیت غذایی و منابع طبیعی از بدو تشکیل با تنظیم برنامه‌های خود بر اساس آنچه که در نقشه راه و فرآیند طراحی الگو پیش بینی شده است، تدوین مبانی اختصاصی در حوزه آب. محیط‌زیست، کشاورزی و منابع طبیعی را در کنار سایر وظایف محوله، وجهه همت قرار داد. بدین منظور طی جلسات متعدد و با بررسی وضع موجود در این حوزه. خطوط راهنمایی را که در تدوین الگوی پیشرفت در این حوزه واجد اهمیت ویژه‌ای هستند مبتنی بر خطوط راهنمای کلی تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و اسناد بالادستی موجود، تعیین و سپس به بحث و بررسی پیرامون مبانی اختصاصی پرداخت. همراه با این اقدام بر اساس دستاوردهای حاصل شده در روند آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به نظام تعیین مسائل اساسی در این حوزه نیز پرداخته شد.

مجموعه حاضر در برگزیده دو فصل مبانی اختصاصی و مسائل اساسی است که در فرآیند تدوین الگوی پیشرفت مورد توجه اعضا و مشاوران اندیشکده آب، محیط‌زیست، امنیت غذایی و منابع طبیعی قرار دارد و امید است در مراحل مرتبط با تدوین الگوی تفصیلی در

این حوزه موجبات هم‌گامی و هماهنگی لازم و کافی را با دستاوردهای مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت فراهم آورد.

از تلاش وافر جناب آقای دکتر روزی‌طلب دبیر محترم اندیشکده و یاری و همراهی اعضا و مشاوران محترم اندیشکده که در تولید این اسناد نقش ویژه‌ای داشته‌اند و همچنین راهنمایی‌های ارزشمند جناب آقای دکتر واعظ زاده ریاست محترم مرکز که در طول برگزاری نشست‌های ذی‌ربط هر جا که لازم بوده است با حضور و حمایت‌های خود انجام این مراحل را امکان‌پذیرتر ساخته‌اند تشکر و قدردانی می‌نمایم.

عباسعلی زالی

رئیس اندیشکده آب، محیط‌زیست، امنیت غذایی

و منابع طبیعی

فصل اول:

مسائل اساسی موجود

در حوزه آب، محیط زیست، کشاورزی و منابع طبیعی

مسائل اساسی موجود در حوزه آب، محیط‌زیست، کشاورزی و منابع طبیعی

مقدمه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، انگیزه‌های بنیادین نظیر استقلال‌خواهی و بازگشت به هویت‌های دینی و ملی و درایت بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران سیاستگذاران و برنامه‌ریزان و مدیران ارشد کشور را به سمت ارتقاء سطح بهره‌مندی از منابع و استعداد‌های موجود در حوزه آب و کشاورزی هدایت نمود. این امر منجر به پیشرفت‌هایی در ایجاد زیرساخت‌های گوناگون برای مدیریت و مهار منابع آب و افزایش تولید محصولات کشاورزی به‌منظور افزایش خوداتکایی گردید. اما در عین حال بی‌توجهی و غفلت برنامه‌ریزان و مدیران کشور و دستگاه‌ها و نهادهای ذی‌ربط به حفظ محیط‌زیست، پایداری تولیدات کشاورزی و بهره‌برداری بهینه از منابع طبیعی تجدیدپذیر موجب بروز خساراتی در این زمینه شد که در فرایند تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بایستی به‌طور جدی مورد توجه قرار گیرد.

اندیشکده آب، محیط‌زیست، امنیت غذایی و منابع طبیعی از آغاز فعالیت‌های خود در سال ۱۳۹۱ ضمن پرداختن به مباحث مختلف نسبت به تدوین مبانی پیشرفت در حوزه اختصاصی، آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه پس از انقلاب و بررسی تجارب سایر کشورهای جهان در توسعه کشاورزی، مدیریت آب و حفاظت محیط‌زیست و منابع طبیعی اقدام نموده است. یکی از برنامه‌های مصوب اندیشکده در سال ۱۳۹۳ تشخیص مهم‌ترین مسائل و چالش‌های مربوط به حوزه تخصصی می‌باشد که از زوایای گوناگون در نشست‌های مورخ اسفندماه ۱۳۹۳ و اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۴ توسط اعضاء و مشاورین اندیشکده مورد بررسی و اظهار نظر قرار گرفته است. مسئله یابی در حوزه آب، محیط‌زیست، امنیت غذایی و منابع طبیعی بر اساس بحث‌ها و گفتگوها در نشست‌های متعدد اندیشکده و بررسی‌های کارشناسی مبتنی بر مطالعات آسیب‌شناسی انجام شده است و از بین بیش از یکصد مسئله موجود در این حوزه، تعدادی از آنها که بیشترین اهمیت را در ایجاد فاصله بین وضع



موجود و وضع مطلوب دارا می‌باشند انتخاب شده‌اند. اعضا و مشاوران اندیشکده در بررسی‌های خود به این نکات توجه داشته‌اند که در تعیین مسائل، علت‌ها خاستگاه باشند نه معلول‌ها و اعم از اینکه پنهانی یا در حال ظهور یا جاری و نهادینه باشند در هر صورت مسائلی باشند که دارای عمق و تناسب کافی با جایگاه الگو باشند. بدین ترتیب امیدوار است در مراحل بعدی تدوین الگو و در فرایند یافتن راهکارهای رسیدن از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب و موردنظر برای مسائل مرتبط با حوزه آب، محیط‌زیست، امنیت غذایی و منابع طبیعی به نحو مؤثر و سازنده‌ای چاره اندیشی شود.

مسائل اساسی ارائه شده در این سند منشأ یا علت بسیاری از مسائل مهم دیگر است و حل مسائل اساسی موجب رفع سایر مسائل و تحقق پیشرفت در حوزه‌های موردنظر می‌گردد و می‌تواند موجبات شناخت و تدوین راهبردهای اساسی برای دستیابی به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در زمینه آب، محیط‌زیست، کشاورزی و منابع طبیعی را فراهم سازد.

۱- نداشتن یک جهت‌گیری و راهبرد جامع و بلندمدت (استراتژی) مورد وفاق ملی با توجه به قابلیت‌ها و محدودیت‌های کشور

اسناد فراوانی اعم از قانون، سیاست، برنامه، آیین‌نامه و دستورالعمل در خصوص چگونگی مدیریت و استفاده از استعدادها و قابلیت‌های سرزمینی وجود دارد که هر کدام از زاویه یا زوایای محدودی به حل مسائل و رفع نیازهای جامعه در حوزه آب، محیط‌زیست، کشاورزی و منابع طبیعی می‌پردازند. اما هیچ‌گاه یک راهبرد یا جهت‌گیری جامعی که بتواند مورد قبول و عمل مجموعه دستگاه‌ها و سازمان‌های مسئول و ذی‌ربط باشد و بدون تخطی از آن، شاهد اقدامات اجرایی همسو و هماهنگ بخش‌ها و زیربخش‌های مرتبط با این حوزه برای پاسخ به رسالت‌های محوله باشیم، مورد توجه جدی قرار نگرفته است. پرهیز از رفتارهای جزیره‌ای و گسسته از هم، مستلزم دستیابی به استراتژی قوی و روشن و عزمی راسخ در مقابله با مسائل اساسی آب، محیط‌زیست، امنیت غذایی و منابع طبیعی است و نبود این استراتژی و عزم ملی در وضع موجود به‌عنوان مهم‌ترین مسئله، آثار زیان‌بار و گاه جبران‌ناپذیری از خود به جای می‌گذارد.



۲- نبود یک نظام تدبیر (حکمرانی مطلوب) برای مدیریت یکپارچه و بهره‌برداری بهینه از آب، محیط‌زیست و منابع طبیعی

بهره‌برداری بهینه از منابع (آب، خاک، جنگل، مرتع، تنوع زیستی و ...) و ضرورت برخورداری از یک مدیریت یکپارچه برای این موضوع سال‌هاست مورد بحث و تأیید محافل علمی، کارشناسی و برنامه‌ریزی است. اما به دلیل بخشی‌نگری در خصوص منابع و ضعف مشارکت‌ها در این زمینه، توفیقی در این موضوع حاصل نشده است. دلیل اصلی این وضعیت این است که در مدیریت و بهره‌برداری از منابع، شیوه‌ای که بتواند به‌صورتی مشارکت‌جویانه، وفاق‌محور و با شفافیت و انعطاف‌پذیری کارآمد، به‌صورتی منصفانه و عام و برخوردار از قانون‌مندی لازم، پاسخگوی مسائل مختلفی باشد که در موضوع مدیریت بهره‌برداری از منابع وجود دارد و به نحوی یکپارچه و بهینه و فراگیر، موجبات حکمرانی مطلوب بر این منابع را فراهم آورد، در اختیار نیست و بدون تردید در فرایند تدوین و اجرای الگوی پیشرفت، بایستی راهبردهایی که ضمن توجه به ظرفیت‌ها منجر به نهادسازی مردم‌سالار برای رفع این خلأ در سطوح مختلف سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرا شود، موردتوجه قرار داشته باشد. مشکلاتی که در روش‌های اداری و اجرایی و در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و حقوقی در حوزه آب، محیط‌زیست، کشاورزی و منابع طبیعی در سطوح مختلف مطرح است نیز ناشی از عدم حاکمیت قانون، فقدان مشارکت ذی‌نفعان، عدم کارایی ساختارهای موجود، پراکندگی مسئولیت‌ها، رقابت‌های ناسالم و ناکافی بودن اقداماتی است که می‌تواند امکان یک مدیریت صحیح در رابطه با منابع و مصارف کشور را فراهم نماید. علاوه بر آن هماهنگی و درک لازم در برنامه‌ها و سیاست‌ها و وظایف سازمان‌های اجرایی و همچنین قوای سه‌گانه نسبت به موضوع وجود ندارد.



۳- تخریب منابع طبیعی، تنوع زیستی و ذخایر توارثی و تغییر بی‌رویه کاربری اراضی

از جمله مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تخریب منابع طبیعی را می‌توان چرای دام در عرصه‌ها، قطع و برداشت درختان، سرشاخه‌ها و بوته‌ها، طرح‌های توسعه صنعتی، مسکونی و کشاورزی، ادعاهای حقوقی و اجتماعی، تصرفات و دست‌اندازی‌های فاسد و غیرقانونی نام برد که در نتیجه به رویشگاه‌های ارزشمند گیاهی کشور که در برگیرنده تنوع زیستی و ذخایر توارثی است و همچنین تالاب‌ها و دریاچه‌ها و حریم و بستر رودخانه‌ها و انهار و دریاها نیز تسری می‌یابد و مجموعه این عوامل موجبات تغییر بی‌رویه کاربری اراضی را دامن می‌زند. دلایلی از جمله اشتغال، تولید، توزیع ثروت، شرایط اقلیمی، ویژگی‌های جغرافیایی و فقر نسبی جوامع روستایی و عشایری نیز در تخریب منابع طبیعی تأثیرگذارند که ریشه‌یابی و رفع هر کدام از این عوامل مستلزم این عزم ملی است که اصولاً موضوع تخریب منابع طبیعی را به‌عنوان مسئله‌ای اساسی در مسیر پیشرفت از وضع موجود به وضع مطلوب بدانیم و بر این باور باشیم که تا زمانی که به راهکارهای مشخص و راهبردهای جامعی در خصوص حل مسئله دست نیابیم همواره، هر نوع الگویی برای پیشرفت در حوزه آب، محیط‌زیست، امنیت غذایی و منابع طبیعی با خطر جدی مواجه است.

۴- بهره‌وری پایین در استفاده از آب و خاک، نهاده‌ها و سایر عوامل نظیر نیروی انسانی، انرژی، ماشین‌آلات و ...

در حالی که در بسیاری از کشورها، بهره‌وری به‌عنوان محوری اصلی در استراتژی‌های توسعه تلقی می‌شود و در کشور ما نیز اهمیت این امر در افزایش تولید ملی کم‌وبیش پذیرفته شده است و در حال حاضر قانون افزایش بهره‌وری یکی از مستندات قابل توجه در این مقوله است اما شیوه‌های مناسب و هماهنگی که امکان حداکثر استفاده از منابع، نیروی انسانی، سرمایه، مواد خام تولیدی، زمان، انرژی، ماشین‌آلات و نظایر آن را در حوزه آب،



محیط‌زیست، امنیت غذایی و منابع طبیعی فراهم آورد، نهادینه نشده است به‌خصوص اینکه عدم رعایت شاخص‌های اساسی بهره‌وری در هر یک از زیر حوزه‌های مذکور، می‌تواند آثار سوء خود را به شکل کاهش بهره‌وری در سایر زیر حوزه‌ها نیز بروز دهد. در این میان از طرفی نظام‌های مناسبی که منجر به ارتقای بهره‌وری در محیط‌زیست می‌شود بیش از همه زیر حوزه‌ها دچار مشکل است و از طرف دیگر ارتقاء بهره‌وری در استفاده از هر یک از عوامل و منابع نیز تأثیر مستقیم در ارتقاء بهره‌وری در محیط‌زیست دارد و این نکته از ضرورت‌های بنیادی است که در رفع نقص‌های مربوط به بهره‌وری از اولویت ویژه برخوردار است و لازم است بر اساس مفاهیم مورد قبول، رویکردها و راهکارهای مختلفی که به حل این مسئله می‌انجامد تعیین و سایر شقوق مرتبط با ضعف بهره‌وری در این حوزه، هماهنگ با راه‌حلی‌هایی که برای ارتقاء بهره‌وری زیست‌محیطی اتخاذ می‌گردند مورد توجه قرار گیرند.

۵- کم توجهی به معیارها و ارزش‌های زیست‌محیطی و مدیریت آلاینده‌ها،

پسماندها و باقی‌مانده سموم و مواد شیمیایی

بنا به دلایل مختلفی از جمله اینکه اکثر قوانین و رویکردهای حوزه محیط‌زیست، رنگ و بویی مبتنی بر محوریت انسان دارند به‌طور ملموسی ارزش‌های ذاتی حوزه طبیعت و محیط‌زیست مورد غفلت قرار می‌گیرد و این موضوع موجب می‌شود تا در ارتقاء شاخص‌های شناخته شده زیست‌محیطی نظیر: منابع طبیعی مولد، آب‌وهوا و خاک سالم، حفظ گونه‌های ارزشمند جانوری و گیاهی، تعدیل مصرف و تناسب جمعیت و نظایر آن توفیق چندانی را شاهد نباشیم. کم توجهی به این معیارها دامنه مسائل سوء زیست‌محیطی را به نارسایی برنامه‌ها و سیاست‌ها در خصوص مدیریت آلاینده‌ها، پسماندها، باقی‌مانده سموم و مواد شیمیایی نیز تسری می‌دهد. حل این معضلات در گرو تعیین و به‌کارگیری جدی شاخص‌های زیست‌محیطی برخاسته از مبانی الگوی پیشرفت در حوزه آب، محیط‌زیست، امنیت غذایی و منابع طبیعی است به‌نحوی که مجموعه این شاخص‌ها ضمن همخوانی با ارزش‌های جهانی شناخته شده برای محیط‌زیست انسانی و طبیعی حاکی از ارزش‌های اسلامی - ایرانی مورد هدف در الگوی پیشرفت باشند.



۶- ناکارآمدی و گستردگی ساختار اجرایی و تصدی‌گری و دخالت بیش‌ازحد دولت و کم توجهی به سرمایه‌های اجتماعی

به دلیل بی‌ثباتی، عدم شفافیت و ناپایداری هدف‌ها، ساختار سازمانی در حوزه آب، محیط‌زیست، کشاورزی و منابع طبیعی از حیث حدود و ثغور وظایفی که بخش دولتی و بخش غیردولتی باید عهده‌دار باشند گرفتار ابهام‌ها، تعارض‌ها و کارکردهای غیرمفید است و گسترده‌تر کردن این ساختار نیز به علت گسترش منافع سیاسی، دخالت دولت در امور غیرحاکمیتی و افزایش قدرت تصدی‌گری، تأثیری در غلبه بر مشکلات نداشته است تا جایی که بیشترین امکانات دولتی عموماً صرف حفظ همین ساختار می‌شود بدون اینکه فرصتی برای دستیابی به هدف باقی بماند و درعین حال بخش دولتی به جای توجه و بهره‌گیری از سرمایه‌های عظیم اجتماعی، عملاً از رشد بخش‌های غیردولتی به‌مثابه رقیب خود، ممانعت می‌نماید و همچنین به‌عنوان عاملی غیرهمسو با سیاست‌های کلی نظام، از بروز کارآمدی‌های قابل‌دسترس در این حوزه می‌کاهد.

۷- نارسایی‌های عمده در سامانه‌های تولید و مدیریت اطلاعات برای پایش و ارزیابی کمی و کیفی وضعیت موجود

الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت در همه حوزه‌ها از جمله حوزه آب، محیط‌زیست، امنیت غذایی و منابع طبیعی دارای افقی است که وضعیت مطلوب در این افق ترسیم می‌شود و حرکت از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب در هر زمانی مستلزم اطلاع و اشراف کامل و روشن از شرایطی است که در آن به سر می‌بریم و از این طریق می‌توان نسبت به اصلاح احتمالی مسیر و تنظیم سرعت مجموعه اقدامات به‌صورت هماهنگ عمل نمود. متأسفانه در شرایط حاضر، تولید اطلاعات مورد نیاز و چگونگی مدیریت آن دچار نارسایی‌ها و ناهماهنگی‌های عدیده در بخش‌های مختلف است و سرمایه‌گذاری کافی در این رابطه به وجود نیامده و شبکه به‌هم‌پیوسته و مسلط برای تأثیرپذیر ساختن این اطلاعات در نظام‌سازی‌های مرتبط با مدیریت و بهره‌برداری از قابلیت‌های موجود در حوزه آب،



امنیت‌غذایی، محیط‌زیست و کشاورزی و منابع طبیعی وجود ندارد و سرمایه گذاری و رفع این نارسایی از جمله الزامات اساسی در فرایند عملیاتی کردن الگو می‌باشد.

۸- کامل نبودن زنجیره تولید، عرضه، مصرف و بازاریابی محصولات کشاورزی و مواد غذایی

منطق و برنامه کاملی در به هم پیوستگی فرایند تولید تا مصرف محصولات کشاورزی و مواد غذایی که مبتنی بر سازوکار بازار باشد و موجبات استفاده حداکثر از منابع، توأم با حفظ محیط‌زیست را فراهم سازد بر این حوزه حاکم نیست. در بخش‌های مختلف، اکثر اقدامات آموزشی و پژوهشی و اجرایی به صورت جزیره‌ای شکل می‌پذیرد که موجب اتلاف منابع و ایجاد ضایعات و بی بهره ماندن از حداکثر ارزش افزوده است و به کاهش نرخ خودکفایی، افزایش حجم واردات، تضعیف رقابت‌پذیری، کم شدن توان اقتصادی و صادرات کشور منجر می‌شود زیرا نقص در این زنجیره، رقابت ناسالم در مراحل قبل از تولید تا بعد از مصرف را دامن می‌زند و عملاً باعث افزایش هزینه‌های تمام شده در نگهداری و بهره‌وری از منابع و ناتوانی در اعمال شیوه‌های صحیح، عالمانه و قدرتمند در بازاریابی‌ها در داخل و خارج از کشور می‌گردد.

۹- کم توجهی به سلامت غذا و عدم رعایت الگوی مناسب تغذیه

منابع آلوده‌کننده خاک و آب‌وهوا و عوامل تشدیدکننده فرایند آلودگی و شرایطی که انتقال این آلودگی‌ها را در مراحل مختلف تولید تا مصرف تسهیل می‌کند باعث شده که شاخص‌های سلامت غذا و شرایط زیست‌محیطی به طور کامل محقق نشود و در این رابطه آنچه که در حوزه آب، محیط‌زیست، امنیت غذایی و منابع طبیعی قابل شناسایی است در مقایسه با میزان اقدامات در دست اجرا اختلافی فاحش دارد و حتی در برخی موارد نظیر کیفیت آب مصرفی یا باقی‌مانده سموم در محصولات، اطلاع‌رسانی شفاف نیز یا انجام نمی‌شود یا به سرعت بحران‌آفرین می‌شود و این موضوع‌ها تأثیرات جبران‌ناپذیری را بر سلامت نسل حاضر و آینده بر جای می‌گذارد. آشنایی ناکافی بخشی از مصرف‌کنندگان به



الگوی مناسب تغذیه و ناتوانی بخشی از جمعیت کشور برای دستیابی به الگوی مناسب نیز این مسئله را تشدید می‌کند.

۱۰- وجود ضایعات زیاد در استفاده از تولیدات و عدم رعایت الگوی مناسب مصرف

ضایعات زیاد در مراحل مختلف تولید و مصرف از ویژگی‌های منفی مهمی است که در طیف وسیعی حوزه آب، محیط‌زیست، امنیت غذایی و منابع طبیعی را در برمی‌گیرد. در آنچه که بر اساس مواهب طبیعت تولید می‌شود نظیر آب و تنوع زیستی و آنچه که با دخالت انسان در طبیعت به وجود می‌آید و برای رفع نیازهای مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد، همواره موضوع ضایعات به‌عنوان یک مسئله وجود داشته و طی دهه‌های اخیر در برخی موارد تشدید نیز شده است. بخشی از این ضایعات گریزناپذیر است اما نیازمند تدبیر لازم و کافی برای بازگرداندن آن به طبیعت است، بخشی نیز ناشی از اسراف و نادیده گرفتن اصول و ضوابط مصرف صحیح یا به تعبیری عدم رعایت الگوی مناسب مصرف است. شناسایی و ریشه‌یابی شقوق مختلف این ضایعات و برقراری سلسله راه‌حلهایی که به نحوی مکمل موجب کاهش این ضایعات و مصرف تولیدات به مقدار مناسب شود از جمله اقدامات اساسی است که در نظام مسائل الگوی پایه پیشرفت بایستی هم از جنبه‌های فنی و اجرایی هم از جنبه‌های فرهنگی و قانونی با راه‌حل‌های کارساز مورد توجه قرار گیرد.

۱۱- ناکارآمدی نظام ترویج و کم توجهی به نظام نوآوری و خلاقیت و پیوند دانش بومی با فناوری‌های نوین

انتقال دانش و فناوری مبتنی بر دستاوردهای تحقیقاتی و تجربیات سازگار با محیط در حال حاضر با سرعت و اطمینانی کمتر از حد انتظار صورت می‌پذیرد و این موضوع ریشه در ناکارآمدی ساختار و انگیزه‌ها و عواملی دارد که باید اصلاح و بهبود رفتارهای مناسب در فعالیت‌های حوزه را تشویق نماید. از سوی دیگر خلاقیت‌ها و ابتکارات ثمربخش افراد پیشرو عموماً به‌صورت موردی باقی می‌ماند و کمتر به سمت روش‌های نهادینه پیش



می‌رود و در مواردی با کاهش حمایت‌ها و نامشخص بودن شیوه‌های فنی و علمی برای حفظ این خلاقیت‌ها و ابتکارات، برگشت به وضع نامطلوب اولیه و حتی پس رفت از این وضعیت نیز مشاهده شده است.

۱۲- ناکافی بودن سرمایه‌گذاری دولتی، خصوصی و خارجی به علت ماهیت خطرپذیری فعالیت در این حوزه

سرمایه‌گذاری لازم و کافی برای حفظ، بهبود و توسعه زیربنایها و تأسیسات موردنیاز در طول برنامه‌های توسعه مورد کم توجهی و غفلت قرار گرفته است و جاذبه سرمایه‌گذاری‌های جدید نیز در این حوزه بسیار کم است. ضمناً ریسک سرمایه‌گذاری، بالا و نرخ بازدهی اقتصادی در اغلب موارد پایین است. رشد اقتصادی در حوزه نیز در طول برنامه‌های توسعه دچار اختلال و نوسان‌های منفی بوده و متأسفانه پیامد این عارضه نیز توسعه فقر و نابرابری اقتصادی- اجتماعی در روستاها است.

۱۳- عدم آگاهی لازم و کافی برای مقابله و سازگاری با اثرات تغییر اقلیم و پیامدهای آن

چالش تغییر اقلیم پدیده‌ای است که خواه‌ناخواه بروز می‌کند و فراتر از توانایی‌های معمول بشری پیامدهای خود را بر زندگی موجودات زنده اعم از گیاهان، جانوران و انسان تحمیل می‌کند. گرچه در افق‌های محدود حل مسئله‌ای به نام تغییر اقلیم متصور نیست، اما عدم آمادگی لازم و کافی برای مقابله و سازگاری با اثرات و پیامدهای تغییر اقلیم، مسئله‌ای است بسیار اساسی و قابل توجه و در مقابل اتفاقاتی نظیر کم شدن میزان بارندگی، افزایش میزان تبخیر، خشکی زمین و تغییر رفتار گونه‌های گیاهی و حیوانی در قبال این اتفاقات، بایستی آمادگی مناسب وجود داشته باشد. در زمینه آب، محیط‌زیست، کشاورزی و منابع طبیعی کشور، موجبات این آمادگی به میزان لازم و کافی فراهم نیست و این نقیصه هم در سطوح علمی و تحقیقاتی هم در جنبه‌های فنی و اجرایی روزبه‌روز بیشتر هویدا می‌شود و در نتیجه فرایند تدوین الگوی پیشرفت نمی‌تواند فارغ از توجه به این مسئله باشد.



عناوین مسائل اساسی فرا حوزه‌ای

۱. ضعف فرهنگ عمومی و آگاهی کم مردم و نارسایی قوانین موجود در حفظ محیط‌زیست و منابع طبیعی.
۲. کم توجهی به توسعه جامع روستایی و ناکافی بودن زیرساخت‌های لازم در امور خدماتی، رفاهی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی در روستاها و مراکز تولید و عدم استقرار صنایع و مشاغل مکمل کشاورزی در آنها.
۳. نبود نظام آمایش سرزمین با توجه به توان بوم‌شناختی و ظرفیت بالفعل و بالقوه منابع آب، خاک، انرژی، سرمایه انسانی، جمعیت و ... مناطق مختلف کشور.
۴. ناکارآمد بودن زیرساخت‌های قانونی و ناپایداری سیاست‌های حمایتی دولت برای ایجاد و تقویت تشکلهای و نهادهای مردمی و تعاونی‌های صنفی.
۵. ناکارآمد بودن ساختار و مرتبط نبودن عملکرد مراکز آموزش عالی و مؤسسات پژوهشی در راستای نیازهای اساسی کشور و بهره‌برداران و کم توجهی به تجاری‌سازی یافته‌های تحقیقاتی.
۶. فقدان سازوکار لازم برای استفاده از سرمایه‌های اجتماعی و مشارکت مردمی و عدم رعایت منزلت و حقوق اجتماعی، سیاسی و قانونی تولیدکنندگان و بهره‌برداران.
۷. عدم بهره‌برداری مطلوب از سایر منابع نوین انرژی از قبیل انرژی خورشیدی، بادی، دریایی و... که منجر به تخریب محیط‌زیست، آلودگی هوا و مصرف بی‌رویه منابع آب کشور می‌گردد.
۸. پایین بودن سهم سرمایه‌گذاری دولتی در تحقیقات کاربردی به‌منظور تولید فناوری‌های جدید و مورد نیاز و عدم حمایت دولت برای ایجاد انگیزه در بخش خصوصی به منظور سرمایه‌گذاری‌های مورد نیاز در امور تحقیقات و انتقال فناوری.



فصل دوم:

مبانی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

در حوزه آب، محیط زیست، کشاورزی و منابع طبیعی

مبانی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در حوزه آب، محیط‌زیست، کشاورزی و منابع طبیعی

خلاصه

مبانی پیشرفت تدوین شده در حوزه آب، محیط‌زیست، کشاورزی و منابع طبیعی در دو نشست مشورتی در اردیبهشت و خرداد ماه ۱۳۹۳ که به دعوت اندیشکده آب، محیط‌زیست، امنیت غذایی و منابع طبیعی با حضور ۴۱ نفر از صاحب‌نظران در رشته‌های ذی‌ربط برگزار شد، مورد نقد و بررسی قرار گرفت. مجموعه مبانی تدوین شده با توجه به مباحث مختلف در نشست‌های اندیشکده و مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در سال ۱۳۹۳، با توجه به برنامه اندیشکده مجدداً در خرداد و تیرماه ۱۳۹۴ مورد بازنگری و تعمیق بیشتر قرار گرفت و در ۸ بند به شرح زیر نهائی شد.

۱- تعامل امانت‌مدار انسان با طبیعت در صیانت از محیط‌زیست و رعایت حقوق کلیه اجزاء و عناصر آن

بر اساس آموزه‌های اسلامی، محیط‌زیست طبیعی مبتنی است بر ارتباط توصیف‌ناپذیر میان آنچه که امروز محیط‌های انسانی و طبیعی خوانده می‌شود و محیط الهی که مقوم آن محیط‌ها و ساری در آنهاست و به‌عنوان امانت در اختیار انسانی است که در این نظام به‌عنوان خلیفه خدا، بخشی از آن محیط بوده و رابطه‌ای تنگاتنگ و اخلاق‌مدار با سایر مخلوقات داشته و موظف به عمران و آبادی زمین در محدوده قوانین الهی و بهره‌برداری صحیح از آنها در راستای رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی است و به‌عنوان امانت‌دار و نگهبان، مسئولیت سایر موجودات اعم از آب، خاک، گیاه، جانور را نیز بر عهده دارد.



۲- بهره‌برداری بهینه و عالمانه از نعمت‌های الهی (آب، خاک، هوا، گیاهان، جانوران) برای کاربری‌های کشاورزی، صنعتی، بازرگانی و خدمات در چارچوب توان بوم‌شناختی کشور

انسان برای بهبود و ادامه زندگی خود نیاز به بهره‌برداری از طبیعت و موجودات زنده نظیر خاک، آب، مرتع، جنگل، حیوانات اهلی و وحشی، آبیزان و غیره دارد. خداوند متعال طبیعت و نعمت‌های فراوان آن را در اختیار انسان قرار داده تا ضمن بهره‌برداری بهینه در جهت آبادانی آن نیز اقدام نماید. به عبارتی انسان نبایستی با اسراف و تبذیر و عدم رعایت اصول علمی و مبانی الهی بیش از توان و ظرفیت بوم‌شناختی مناطق مختلف اقلیمی از این نعمت‌های خدادادی بهره‌برداری کند و حیات نسل‌های آینده را در معرض تهدید قرار دهد.

۳- ارتقاء شرایط زندگی و درآمد تولیدکنندگان با مشارکت و رعایت حقوق اجتماعی، آزادی و کرامت آنان

اغلب کشاورزان و تولیدکنندگان محصولات کشاورزی به‌ویژه کشاورزان کوچک با منابع محدود از نظر شرایط زندگی در مقایسه با سایر اقشار جامعه در شرایط مطلوبی بسر نمی‌برند و نمی‌توانند به شایستگی از تلاش و دسترنج خود بهره‌مند شوند. بسیاری از آنان در اثر بروز حوادث و بلایای طبیعی نظیر سیل، خشکسالی، سرما، آفات و بیماری‌ها و غیره دچار فقر، گرسنگی و خسارت فراوان می‌گردند. حکومت اسلامی بایستی ضمن رعایت حقوق اجتماعی، آزادی و کرامت کشاورزان و تولیدکنندگان در تشکیل تشکل‌های صنفی و حرفه‌ای برای خرید نهاده‌ها، فراوری و فروش و بازاریابی محصولات کشاورزی و خدمات مورد نیاز آنان کمک و اهتمام ورزد.

۴- ارتقاء امنیت غذایی و بهبود سلامت جامعه با اتکا به تولید پایدار و کاربرد فناوری‌های نوین

دستیابی به غذای کافی، مغذی، پاک و حلال از جمله حقوق شهروندان جامعه ایرانی است که بر عهده حاکمیت بوده و از مصادیق عدالت و تحقق منافع انسان در این جهان و نهایتاً



دستیابی به سعادت است که هدف شریعت و فقه اسلامی است، لذا تأمین امنیت غذایی و بهبود سلامت جامعه با اتکا به تولیدات داخل با بهره‌گیری از آخرین دستاوردهای علمی باید مورد توجه خاص قرار گیرد.

۵- حفظ و گسترش سرسبزی عرصه‌های مختلف کشور به منظور کاهش بلایای طبیعی، تداوم حیات، تأمین امنیت خاطر و نشاط جامعه

بلایای طبیعی مانند وقوع سیل‌ها، طوفان‌های شن و ریزگردها، گسترش بیابان‌ها، پایین رفتن سطح آب‌های زیرزمینی، خشک شدن دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و چشمه‌سارها، فرونشست اراضی، شور شدن خاک‌ها و نظایر آن عموماً ناشی از رفتارهای غیراصولی و بی‌رویه در مدیریت محیط‌زیست، منابع طبیعی، خاک و آب و نزولات آسمانی است. حفظ و گسترش پوشش گیاهی و گسترش باغات، جنگل‌ها، مراتع، تفرجگاه‌ها و پارک‌های طبیعی و شهری موجب تداوم حیات جامعه و شادی و نشاط مردم می‌شود. مبارزه با پدیده بیابانی شدن نیز از اقدامات اساسی در جهت حفظ و گسترش پوشش گیاهی و حیات جامعه در عرصه مناطق خشک و نیمه‌خشک کشور است.

۶- سازگاری پویا و پایدار با شرایط اقلیم خشک و نیمه‌خشک کشور و مقابله با اثرات تغییرات اقلیمی از طریق تولید و پیوند فناوری‌های نوین و بومی مورد نیاز

بیش از ۹۵ درصد مساحت کشور در اقلیم خشک و نیمه‌خشک قرار دارد و اکثر مناطق با پدیده خشکی و خشکسالی مواجه می‌باشند. ایرانیان در قرون گذشته با ابداع فناوری‌های مناسب نظیر احداث قنات و تأسیسات مدیریت آب و بهره‌برداری بهینه از منابع طبیعی محدود توانستند هزاران سال با شرایط اقلیم خشک سازگاری داشته باشند که متأسفانه در نیم‌قرن گذشته مورد غفلت قرار گرفت. به‌علاوه تغییرات اقلیمی در سطح جهان که عمدتاً ناشی از فعالیت انسان و توسعه صنعتی است باعث گرم شدن کره زمین و کاهش میزان بارندگی و گسترش پدیده خشکسالی در بسیاری از مناطق جهان از جمله ایران خواهد شد. لذا ضروری است با تولید فناوری‌های جدید و بهره‌گیری از دانش بومی در مقابله با



چالش‌های آینده مقابله لازم به عمل آوریم و حیات و تمدن مناطق مختلف کشور را حفظ نماییم

۷- صادرات با توجه به مزایای رقابتی محصولات و خدمات فنی و مهندسی

سرمایه‌گذاری و مشارکت بخش خصوصی در تولید محصولات کشاورزی نظیر گیاهان دارویی، انواع میوه‌ها، سبزیجات و همچنین خدمات و فناوری‌های گوناگون در این حوزه می‌تواند با توجه به مزایای رقابتی آنها منجر به توسعه صادرات و گسترش حضور اقتصادی ایران در سطح منطقه و جهان شود. توجه به صادرات موجب ارتقاء استانداردهای سلامتی و فنی محصولات داخلی نیز می‌گردد.

۸- استقرار جمعیت متناسب با منابع خدادادی، شرایط اقلیمی و آمایش سرزمینی

جابجایی جمعیت تحت تأثیر عوامل مختلف اقلیمی، اقتصادی و اجتماعی قرار دارد و در بین این عوامل شرایط زیست‌محیطی، عوامل اقلیمی و محدودیت‌های منابع آب و خاک از اهمیت بالایی برخوردارند و مجموعه سیاست‌ها و رفتارها بایستی دارای سمت و سویی باشد که به استقرار متوازن جمعیت بر اساس ظرفیت‌های موجود و قابلیت‌های بالقوه مناطق مختلف کشور کمک نماید.

شرح تفصیلی

بهره‌گیری مسلمانان در طول تاریخ از آیات عمیق و تابناک قرآن کریم و نیز روایات، احادیث، سیره نبوی و روش ائمه (علیهم السلام) در ارتباط با طبیعت و استفاده صحیح از گیاهان، حیوانات و سایر موجودات زنده باعث شده است که امر کشاورزی و استفاده صحیح از آب و منابع طبیعی و به‌طور کلی محیط‌زیست بخش لایته‌جزایی از اعتقادات و فرهنگ اسلامی را به خود اختصاص دهد. همچنین در فرهنگ و اعتقادات ایرانیان باستان قبل از ظهور اسلام نیز به حکم ضرورت زندگی و تجربیات نهادینه شده در طبیعت این سرزمین و آموزه‌های دینی و اخلاقی متبلور در رفتار ایرانیان قدیم، مدیریت آب و اهمیت کشاورزی



برای تولید غذای مورد نیاز مردم و همچنین اهمیت گیاهان و حیوانات برای بقای انسان مورد تأکید و احترام قرار گرفته است.

سخنان و تذکرات متعددی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی از بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در خصوص آب، منابع طبیعی، کشاورزی و محیط‌زیست بیان شده است، ضرورت ارائه و تبیین مبانی خاص این حوزه را نشان می‌دهد.

طی سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، پیشرفت کشاورزی و تأمین امنیت غذایی با اتکا به تولید محصولات در داخل کشور همواره مورد تأکید حضرت امام و مقام معظم رهبری بوده است. همچنین موضوع مدیریت منابع طبیعی و بهره‌برداری صحیح از منابع آب در پنج برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور مورد توجه قرار گرفته و سرمایه‌گذاری‌های زیادی در این رابطه انجام شده است.

بررسی اسناد و مدارک موجود حاکی از آن است که در حال حاضر اکثر مناطق کشور با بحران منابع آب روبرو است و محیط‌زیست و منابع طبیعی تجدیدشونده نیز در اثر بهره‌برداری‌های بی‌رویه در شرایط شکننده‌ای قرار دارند. طبق آمار ارائه‌شده وزارت جهاد کشاورزی، در سال ۹۱-۹۲ تنها حدود ۵۸ تا ۶۰ درصد کالری مورد نیاز جمعیت از تولیدات مواد غذایی در داخل کشور و بقیه از طریق واردات تأمین شده که نشان می‌دهد اهداف برنامه‌ها و انتظارات مدیران ارشد کشور به‌طور کامل برآورده نشده است. ارزیابی برنامه‌ها و سیاست‌های متخذه و نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که کشور فاقد یک الگوی مناسب پیشرفت در حوزه آب، محیط‌زیست، کشاورزی و منابع طبیعی می‌باشد و ادامه روند و شیوه‌های موجود نیز نتیجه مطلوبی را در آینده به ارمغان نخواهد آورد.

با بررسی همه‌جانبه از مبانی اعتقادی، اسلامی و فرهنگ غنی ایرانیان و همچنین بررسی اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و تجارب بدست آمده از برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور پس از پیروزی انقلاب، مطالعه در خصوص تدوین پیش‌نویس مبانی پیشرفت در حوزه اختصاصی انجام و نتایج حاصله در دو نشست مشورتی با حضور حدود ۴۱ نفر از



صاحب‌نظران در رشته‌های آب، محیط‌زیست، کشاورزی و منابع طبیعی مورد نقد و ارزیابی قرار گرفت. در نهایت مبانی اختصاصی پیشرفت در این حوزه در ۸ بند تجمیع و تکمیل و در این گزارش ارائه می‌گردد.

روش‌شناسی تدوین مبانی

مبانی اختصاصی حوزه آب، محیط‌زیست، کشاورزی و منابع طبیعی با این پیش‌فرض کلان تدوین شده که انگیزه لازم برای شکل‌گیری شرایط و تحول ساختاری متفاوت از وضع موجود به وضع مطلوب در این حوزه به وجود آید و اصول و ارزش‌های اسلامی ایرانی به‌عنوان ریشه‌های اصلی در مسیر پیاده‌سازی الگوی پیشرفت موردتوجه قرار گیرد.

در تدوین این مبانی اصول ذریط قانون اساسی و مفاد سند چشم‌انداز در ارتباط با بخش کشاورزی، آب و محیط‌زیست و همچنین اسناد برنامه‌های پنج‌ساله جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب اسلامی مطالعه گردیده و نظرات صاحب‌نظران مختلف که در ۱۳ نشست گروه کشاورزی و منابع طبیعی در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ ارائه‌شده موردتوجه قرار گرفته است. به‌علاوه در تدوین این مبانی از تفاهمات و کنوانسیون‌های بین‌المللی که کشور جمهوری اسلامی ایران عضویت آنها را پذیرفته و همچنین تجارب سایر کشورهای جهان در زمینه توسعه پایدار کشاورزی و مدیریت بهینه محیط‌زیست و منابع طبیعی بهره‌برداری لازم به‌عمل آمده است.

مبانی مقدماتی اختصاصی حوزه که در ۱۲ عنوان تهیه و تنظیم شده بود در نشست گروه کشاورزی و منابع طبیعی که در تاریخ ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۳ با حضور ۱۴ نفر از صاحب‌نظران رشته آب، کشاورزی و منابع طبیعی در مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تشکیل شد، مورد نقد و بررسی قرار گرفت. با توجه به نظرات ارائه شده در نشست مذکور و پس از کسب نظرات کتبی و بررسی بیشتر، مبانی الگو در حوزه آب، کشاورزی و منابع طبیعی در ۸ عنوان تجمیع گردید.



شرکت‌کنندگان در نشست فوق‌مبانی تدوین شده را مورد تأیید قرار دادند و نظرات تکمیلی و پیشنهادات خود را در مورد مبانی اختصاصی حوزه ارائه دادند. در نهایت مبانی حوزه آب، محیط‌زیست، کشاورزی و منابع طبیعی در ۸ بند تدوین و نهائی گردید. مبانی تدوین شده به‌منظور مذاقه بیشتر و ادغام مبانی محیط‌زیست با آن در نشست دوم گروه که با حضور ۲۷ نفر از صاحب‌نظران و متخصصین ذی‌ربط در رشته محیط‌زیست، آب، کشاورزی و منابع طبیعی در تاریخ ۴ تیرماه ۱۳۹۳ در مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت برگزار شد مورد نقد و بررسی مجدد قرار گرفت و در خرداد ۱۳۹۴ نیز در اندیشکده مورد بازنگری نهایی قرار گرفت.

بحث و نتیجه‌گیری

کشاورزی و تولید غذا از نگاه قرآن مجید، احادیث و روایات

قرآن کریم، هدایت و رهبری جامعه به سوی سعادت دنیا و آخرت را تأمین می‌نماید و با اینکه یک کتاب خاص اقتصادی یا ادبی نبوده و بیان مسائل علمی و اسرار خلقت نیز منظور اساسی آن نیست، اما در بسیاری موارد از اینگونه مسائل در راه منظور و هدف خاص خود (که هدایت و رهبری جامعه به سوی سعادت دنیا و آخرت است) بهره می‌برد و از آنها به‌صورت نشانه‌هایی از قدرت لایزال الهی یاد می‌کند. از جمله آیات فراوانی در قرآن کریم، انسان را به تلاش بر روی زمین در راه آبادانی بیشتر و بهره‌رساندن به دیگران دعوت و راهنمایی می‌کند.

در آیات ۱۰ و ۱۱ سوره نحل، با ایجاد این اطمینان که بنیان و اساس تأمین روزی بندگان، در ید اوست، جریان کشت و روئیدن گیاهان از زمین و پرورش حیوانات را به‌عنوان نمونه‌ای از قدرت الهی و مایه بصیرت و آگاهی انسان معرفی می‌نماید: «او کسی است که از آسمان، آبی فرستاد، که نوشیدن شما از آن است و گیاهان و درختانی که حیوانات خود را در آن به چرا می‌برید، نیز از آن است. (خداوند) با آن (آب باران)، برای شما زراعت و زیتون و نخل و انگور و از همه میوه‌ها می‌رویانند، مسلماً در این، نشانه روشنی برای اندیشمندان است.»



خداوند خود را زارع و رویاننده گیاهان و محصولات کشاورزی معرفی می‌کند، تا به هم پیوستگی رویش طبیعت با نظم عالم خلقت و حاکمیت قوانین الهی در چرخه رشد و نمو گیاهان را یادآور شود و به شیوه‌ای روشن و استوار ضرورت اطاعت از قوانین ثابت جهان را گوشزد نماید، آنجا که می‌فرماید: «آیا هیچ درباره آنچه کشت می‌کنید اندیشیده‌اید؟ آیا شما آن را می‌رویانید یا ما می‌رویانیم؟ هرگاه بخواهیم آن را مبدل به کاه در هم کوبیده می‌کنیم که تعجب کنید». (سوره واقعه، آیات ۶۳ تا ۶۵) و همچنین در آیه ۲۲ سوره بقره که می‌فرماید: «آن کس که زمین را بستر شما و آسمان [= جو زمین] را همچون سقفی بالای سر شما قرار داد و از آسمان آبی فرو فرستاد و به وسیله آن، میوه‌ها را پرورش داد تا روزی شما باشد. بنابراین، برای خدا همتیانی قرار ندهید، درحالی که می‌دانید (هیچ‌یک از آنها نه شما را آفریده‌اند و نه شما را روزی می‌دهند)».

خداوند، نزول باران و پرورش نباتات را دلیلی برمی‌شمرد برای پرهیز از شرک و گرایش به توحید، برای مردمی که عقل دارند و می‌اندیشند: «در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمدوشد شب و روز و کشتی‌هایی که در دریا به سود مردم در حرکت‌اند و آبی که خداوند از آسمان نازل کرده و با آن، زمین را پس از مرگ، زنده نموده و انواع جنبندگان را در آن گسترده و (همچنین) در تغییر مسیر بادها و ابرهایی که میان زمین و آسمان مسخرند. نشانه‌هایی است (از ذات پاک خداوند و یگانگی او) برای مردمی که عقل دارند و می‌اندیشند». (سوره بقره، آیه ۱۶۴).

اگرچه هدف قرآن از بیان این مطالب در درجه اول، بیدار کردن وجدان و اندیشه انسان و توجه دادن او به توحید و صفات الهی است، اما تفکر عمیق در این آیات می‌تواند ما را در بهبود شیوه‌های بهره‌برداری از مواهب و منابعی که در اختیار داریم یاری دهد. آیات ۵۷ و ۵۸ سوره اعراف، نشان‌دهنده همین ویژگی‌ها است: «او کسی است که بادها را بشارت‌دهنده، در پیشاپیش (باران) رحمتش می‌فرستد تا ابرهای سنگین، بار را (بردوش) کشند؛ (سپس) ما آنها را به سوی زمین‌های مرده می‌فرستیم و به وسیله آنها، آب (حیات‌بخش) را نازل می‌کنیم و با آن، از هرگونه میوه‌ای (از خاک تیره) بیرون می‌آوریم؛



این‌گونه (که زمین‌های مرده را زنده کردیم) مردگان را زنده می‌کنیم. شاید (با توجه به این مثال) متذکر شوید. سرزمین پاکیزه (و شیرین)، گیاهش به فرمان پروردگار می‌روید؛ اما سرزمین‌های بدطینت (و شوره‌زار)، جز گیاه ناچیز و بی‌ارزش، از آن نمی‌روید؛ این‌گونه آیات (خود) را برای آنها که شکرگزارند، بیان می‌کنیم.»

همچنین آیات ۹۹ سوره انعام و ۴ سوره رعد علاوه بر ویژگی‌های فوق، به نکات ظریف علمی و عقلانی دیگری هم اشاره دارد که اوج زیبایی‌های خلقت در عرصه گیاهان را هویدا می‌کند: «او کسی است که از آسمان آبی نازل کرد؛ و به‌وسیله آن، گیاهان گوناگون رویاندیم و از آن ساقه‌ها و شاخه‌های سبز، خارج ساختیم و از آنها دانه‌های متراکم و از شکوفه‌های نخل، شکوفه‌هایی با رشته‌های باریک بیرون فرستادیم و باغ‌هایی از انواع انگور و زیتون و انار، (گاه) شبیه به یکدیگر و (گاه) بی‌شابهت! هنگامی که میوه می‌دهد، به میوه آن و طرز رسیدنش بنگرید که در آن، نشانه‌هایی (از عظمت خدا) برای افراد باایمان است.» «و در روی زمین، قطعاتی در کنار هم قرار دارد که با هم متفاوتند؛ (و نیز) باغ‌هایی از انگور و زراعت و نخل‌ها، (و درختان میوه گوناگون) که گاه بر یک پایه می‌رویند و گاه بر دوپایه؛ (و عجیب‌تر آنکه) همه آنها از یک آب سیراب می‌شوند! و با این حال، بعضی از آنها را از جهت میوه بر دیگری برتری می‌دهیم؛ در اینها نشانه‌هایی است برای گروهی که عقل خویش را به کار می‌گیرند.»

اهمیت فرازهای قرآنی نظیر دو آیه فوق از این حیث هم قابل توجه است که چرخه‌های زندگی، جهان طبیعت، گیاهان، جانوران و انسان، تحت تأثیر موهبت الهی آب قرار دارد و انسانی که اینگونه به آب نیازمند است، باید مراتب قدرشناسی خود را نسبت به این موهبت و خداوندی که آن را به بندگان بخشیده است بجای آورد. خداوند کریم در آیات ۱۵ تا ۱۷ سوره مبارکه سبأ می‌فرماید: «برای قوم سبأ در محل سکونتشان نشانه‌ای (از قدرت الهی) بود؛ دو باغ (بزرگ و گسترده) از راست و چپ (رودخانه عظیم با میوه‌های فراوان و به آنها گفتیم): از روزی پروردگارتان بخورید و شکر او را به جا آورید؛ شهری است پاک و پاکیزه و پروردگاری آمرزنده (و مهربان). اما آنها (از خدا) رویگردان شدند و ما سیل ویرانگر را بر



آنان فرستادیم و دو باغ (پربرکت) شان را به دو باغ (بی ارزش) با میوه‌های تلخ و درختان شوره گز و اندکی درخت سدر مبدل ساختیم. این کیفر را به خاطر کفرانشان به آنها دادیم و آیا جز کفران کننده را کیفر می‌دهیم؟!»

امام صادق (ع) در تفسیر آیه شریفه «**و علی الله فلیتوکل المؤمنون**» فرموده‌اند منظور از مؤمنان، کشاورزان هستند و همچنین از ایشان نقل شده است که فرمودند «در میان کارها، هیچ کاری نزد خداوند محبوب‌تر از کشاورزی نیست و خداوند هیچ پیامبری را برنیانگیخت جز آن که کشاورز بود- مگر ادریس که خیاطی می‌کرد» و این عبارت زیبا از علی ابن ابیطالب (ع) نیز بسیار آموزنده است که «هرکس آب‌و‌خاکی داشته باشد و باین حال فقیر باشد، خدا او را از رحمت خویش دور کند».

همچنین گفتار رسول اکرم (ص) نشانی متعالی از جایگاه این حوزه از فعالیت‌های بشری در عرصه زندگی است که فرمود: «بهترین مال، زراعتی است که صاحبش آن را نیکو بکارد، خوب نگه دارد و در هنگام درو، برداشت کند» و «بهترین مال، مالی است که از قلمه زدن و گرده‌افشانی و از چیدن میوه‌ها حاصل آید» یا این دعای روح‌بخش از ایشان که «خدایا، نان را برای ما مبارک فرما و میان ما و آن جدایی نینداز، چرا که اگر نان نباشد نه توان نماز خواندن خواهیم داشت و نه طاقت روزه گرفتن و نه رغبت انجام واجبات».

نگرش اسلام به طبیعت و محیط‌زیست

در تفکر اسلامی آنچه در آسمان‌ها و زمین است از آن خداوند بوده و آیات اوست^۱ و طبیعت و محیط‌زیست در یک نظام سلسله مراتبی طولی معنی می‌یابد. این اندیشه در نظریه وحدت حقیقی هستی منتسب به حکمای شرقی و ایرانی (فهلویون) بوده و توسط اندیشمندان مسلمان با الهام از معارف اسلامی پذیرفته شده (محقق داماد، ۱۳۸۳)^۲ و به خوبی در حکمت متعالیه صدرالمتالهین شیرازی تجلی یافته است. پیامد نظریه فوق نظریه

۱. (سوره نساء، آیه ۱۲۶)

۲. محقق داماد، سید مصطفی، ۱۳۸۳. محیط‌زیست طبیعی از دیدگاه حکمت متعالیه. دومین کنگره جهانی حکمت متعالیه، ملاصدرا، خردادماه ۱۳۸۳. تهران. ایران



سریان حیات عمومی بر هستی است. بدین ترتیب بر اساس حکمت متعالیه، وجود واحد، اصیل و مشکک یعنی دارای مراتب است و کلیه اجزای عالم هستی که جهان طبیعت بخشی از آن است، همه نشأت گرفته از مبدأ هستی مطلق و تجلیات گوناگون حق و نشان‌دهنده ذات واجب‌الوجودند. مراتب هستی از مبدایی آغاز می‌گردد و پس از مبدأ، جهان‌های گوناگون و مراتب مختلفی وجود دارد که در مراتب نازل آن جهان طبیعت قرار گرفته است.

بر اساس نظریه سریان حیات عمومی بر هستی، نظمی پنهانی در اعماق جهان حکم‌فرماست و سراسر کائنات یکپارچه هوشمندی و عزم و اراده است که هر موجود در حد وجود خویش از حیات، شعور، علم و اراده برخوردار است. سلسله‌مراتب هستی پس از نزول و وصول به مرتبه جهان طبیعت، حرکت هوشمندانه، همراه با احساس عشق به مبدأ را به‌گونه‌ای صعودی ادامه می‌دهد تا به مبدایی که از آن نشأت یافته می‌رسد.

به‌عبارت‌دیگر نگرش اسلامی به طبیعت مبتنی است بر ارتباط توصیف‌ناپذیر میان آنچه که امروز محیط‌های انسانی و طبیعی خوانده می‌شود و محیط الهی که مقوم آن محیط‌ها و ساری در آنها است^۱. در این نظام موجودات جایگاه خاص خود را دارا بوده و از شان و منزلتی ویژه برخوردار می‌باشند. انطباق موجودات با محیط خود نتیجه تنازع بقاء و برتری قوی بر ضعیف نیست بلکه اثر حکمت خالق عالم است که به هر موجودی آلات و اعضا و قوایی را که مورد احتیاج او و مطابق محیط زندگی اوست، عطا فرموده است.

خداوند در این نظام انسان را به‌عنوان خلیفه خود قرار داده که عبدالله و یاری‌دهنده حق باشد و بدین شرط برتر از سایر موجودات است. یعنی تنها ملاک برتری او بر سایرین متقی بودن اوست، در غیر این صورت هیچ‌گونه برتری بر سایر موجودات ندارد. خداوند به انسان قدرت تسخیر داده که محدود به قوانین الهی است (آیا ندیدی که خداوند آنچه در زمین است به نفع شما رام گردانید، سوره حج، ۶۵) لیکن او را موظف به عمران و آبادی زمین نموده و قدرت و وسایل آن را در اختیار او قرار داده است (او خدائی است که شما را از

۱. نصر، سید حسین، ۱۳۸۲. نیاز به علم مقدس ترجمه حسن میان‌داری. موسسه فرهنگی طاهرا (ص ۲۱۵-۲۱۸)



زمین بیافرید و برای عمارت و آبادانی آن برگماشت، سوره هود، (۶۱). لذا چیرگی به معنای چیرگی معمولی بر طبیعت نیست. بلکه به معنای غلبه بر چیزهایی است که انسان مجاز است، تنها به شرط آنکه مطابق قوانین الهی باشد و از آن جهت که او خلیفه خداوند بر زمین و یاری‌دهنده حق است از آن استفاده نماید. انسان‌ها به‌عنوان امانتدار و نگهبان، مسئولیت حفاظت از سایر موجودات را نیز بر عهده داشته و موظف به بهره‌برداری صحیح از آنها در راستای رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی که هدف اخلاق اسلامی است می‌باشند. بر اساس حکمت متعالیه همه اجزاء طبیعت در نجات و رستگاری با انسان سهیم بوده و همچنین انسان و طبیعت نسبت به یکدیگر دارای حقوقی هستند که از این نظام منشأ می‌گیرد.

در این نگرش انسان به‌عنوان امانتدار همان‌طور که در برابر خانواده خود و جامعه مسئول است، در برابر کل محیط‌زیست نیز دارای مسئولیت بوده و همه الگوهای تولید و مصرف بایستی بر اساس تعادل طبیعت باشد. نهایتاً اینکه حق انسان مطلق و نامحدود نبوده، نمی‌تواند بی‌مهابا به بهره‌برداری و آلودگی طبیعت بپردازد. اینها مواردی است که بیانگر آموزه‌های توحیدی و امانتداری انسان بوده و او را در جایگاهی قرار می‌دهد که رابطه‌ای اخلاق‌مدار با سایر مخلوقات داشته باشد. این امر نیازمند کنترل حرص و طمع و آگاهی از نیاز دیگران بوده و سخاوت و خیرخواهی تجلی این آموزه می‌باشد. به‌علاوه توحید به معنی وحدت همه اشیاء و میزان به معنی تعادل طبیعت پایه‌هایی مهم برای بوم‌شناختی و اخلاق زیست‌محیطی ایجاد می‌نمایند.

مبانی اختصاصی الگو در حوزه آب، محیط‌زیست، کشاورزی و منابع طبیعی

مجموعه مطالعات، بررسی‌ها و اظهارنظرات موجب تدوین و ارائه مبانی در حوزه آب، محیط‌زیست، کشاورزی و منابع طبیعی در ۸ بند گردید که به شرح زیر تدوین و ارائه می‌گردد. این مبانی منطبق با شرایط اعتقادی، اجتماعی، فرهنگی مردم و شرایط جغرافیایی کشور تهیه شده و در راستای الزامات آمایش سرزمینی کشور و هماهنگی با مبانی اختصاصی سایر حوزه‌ها قرار دارد.



۱- تعامل امانت‌مدار انسان با طبیعت در صیانت از محیط‌زیست و رعایت حقوق کلیه اجزاء و عناصر آن

حیات، شامل جلوه‌های گوناگونی است که از آسمان تا زمین و از بلندترین ارتفاعات کوهستان‌ها تا پست‌ترین اعماق دریاها و از نقاطی کاملاً منجمد تا سرزمین‌هایی کاملاً گرم، پراکنده‌اند و بارزترین جلوه‌های این حیات عبارتند از تک‌یاختگان، میکرب‌ها، باکتری‌ها، قارچ‌ها، گیاهان، جانوران و انسان. محیط‌زیست مفهومی عام از تمامی عرصه‌هایی است که این موجودات زنده را در برمی‌گیرد و عناصری مانند هوا، آب، جنگل، مرتع، کویر، بیابان، کوه، دشت، دره، چشمه، آبراهه، رود، رودخانه، آبگیر، باتلاق، تالاب، دریاچه، دریا، مناطق مسکونی شهری و غیرشهری و صنعتی و حفاظت شده و تمامی تأسیساتی که در این محدوده‌ها ایجاد می‌شوند، آبادی‌ها و مزارع و باغات و پدیده‌ها و رفتارهای مختلفی که ناشی از حضور یا مداخله یا بهره‌برداری انسان و سایر جانداران در این عرصه‌ها است هر کدام زیرمجموعه‌ای از محیط‌زیست محسوب می‌شوند که در یک تقسیم‌بندی کلی و اجمالی، از آن تحت عناوین محیط‌زیست انسانی و محیط‌زیست طبیعی نام برده می‌شود. ولی عامل مشترکی که در تمامی این مجموعه نقش اساسی را به خود اختصاص می‌دهد همان عامل حیات است که دارای قاعده‌ها و قانون‌هایی است و پایداری این محیط یعنی شناخت قواعد این محیط و رعایت قانون‌های ثابت حاکم بر آن. هر چقدر این شناخت و مراعات کامل‌تر و رساتر باشد سلامت محیط‌زیست، هم برای انسان، هم برای سایر جانوران و گیاهان مداوم‌تر خواهد بود.

شاخص‌های علمی و قابل اجرا برای تعریف پایداری فراوانند و از تجارب ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی می‌توان برای بومی‌سازی پیشرفته‌ترین شاخص‌های زیست‌محیطی در هر زمان استفاده نمود ولی آنچه مسلم است آب اصلی‌ترین عنصر در این محیط است و بدون آن هیچ‌کدام از عرصه‌های حیاتی معنا و مفهومی ندارد و در چرخه‌ای که آب و سایر اجزاء طبیعت تشکیل می‌دهند، مهم‌ترین لازمه تداوم محیط‌زیست وجود تعادلی است که بایستی بین قوانین طبیعی حاکم بر نزولات آسمانی و رفتارهای مداخله‌گرانه انسان برقرار و



مدیریت چرخه آب در طبیعت به گونه‌ای باشد که همواره برای انسان، اطمینان کافی از امکان زیست سالم در محیط فراهم باشد.

طیف وسیع چنین تعادلی ایجاب می‌نماید که سلامت محیط‌زیست به‌عنوان یک مبنای پایه و فراحوزه‌ای مطرح باشد و بدین لحاظ، در حوزه اختصاصی آب، امنیت غذایی و منابع طبیعی نیز تبعیت از قواعد و قوانین این مبنا ضروری است و درعین حال جنبه‌های اختصاصی مختلفی در حوزه آب و کشاورزی و منابع طبیعی با جنس و مفهوم محیط‌زیست، مقارنه غیرقابل تفکیک دارند.

از سوی دیگر انسان به‌تبع نیازهای مختلف و با اتکا به دانش و ابزارهای که در اختیار دارد، به‌صورت روزمره و مستمر، استعدادها و قابلیت‌ها و ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه موجود در محیط زندگی خود را مورد کندوکاو و بهره‌برداری قرار می‌دهد. منابع حیاتی نیز بخشی از این بهره‌برداری‌ها را تشکیل می‌دهند که به‌تناسب شرایط آب‌وهوایی و ماهیت طبیعی، دارای کیفیت‌های مختلفی از حیث تجدیدپذیری هستند؛ مقدار باران سالیانه در هر سرزمینی کم‌وبیش عدد ثابتی است، رشد یک درخت تا رسیدن به شرایط مناسب بهره‌برداری به چندین سال زمان نیاز دارد و ایجاد خاکی به ضخامت یک سانتی‌متر از سنگ مادری به چند صدسال می‌انجامد.

شاخه‌های مختلفی از علوم بشری، این قدرت را فراهم ساخته‌اند که حضور و دخالت انسان در طبیعت و بهره‌برداری او از دارایی‌های طبیعی زمین، به سمتی هدایت شود که نیازهای انسانی مرتفع شود، تخریب بیهوده‌ای صورت نگیرد و زمینه بازسازی و تقویت شرایط ضروری برای زیست سایر جانوران و گیاهان نیز مهیا باشد. در شرایطی که انسان علاوه بر حق خود برای بهره‌برداری از ثروت زمین، به رعایت حقوق گیاهان و جانوران دیگر نیز پایبند باشد و این حقوق، مصون از فشارها و زیاده‌خواهی‌ها باشد. تنوع زیستی که عامل بقا و گسترش استفاده درست و پایدار انسان از زمین است، به‌صورتی قانون‌مند، موجبات تعاملی اقتصادی و سالم بین انسان و بوم را فراهم می‌سازد. نقص در این تعامل به کاهش مصونیت سرزمین در قبال عوامل مخرب حیات و در نهایت سستی و زوال آبادانی‌ها



می‌انجامد. بنابراین در هر نوع الگویی که در حوزه آب و کشاورزی و منابع طبیعی طراحی و اجرا شود، پایدارسازی تعامل بین انسان و بوم از جمله ضرورت‌های اساسی است. آموزه‌های اسلامی، این نوع تعامل را تعامل امانت‌مدار می‌نامد که بر اساس آن رابطه‌ای صحیح بین انسان و طبیعت استوار می‌شود و حفظ حیات و تمدن جامعه بشری را امکان‌پذیر می‌سازد.

۲- بهره‌برداری بهینه و عالمانه از نعمت‌های الهی (آب، خاک، هوا، گیاهان، جانوران ...) برای کاربری‌های کشاورزی، صنعت، بازرگانی و خدمات در چارچوب توان بوم‌شناختی کشور

بدون شک در تعامل انسان و بوم، یکی از رخدادهایی که لازمه ادامه حیات انسان است و به صورت فطری با انسان همراه است. تأمین نیازها و خواست‌های طبیعی او از مواهب و نعماتی است که خداوند برای او در زمین مهیا ساخته است. اما ضرورت پرهیز از اسراف در استفاده از برکات زمین که عقل و معرفت، هر دو بر این ضرورت گواه اند، از جمله مبانی مؤثر در امر بهره‌برداری از منابع موجود در طبیعت و نعمت‌های نازله ی پروردگار بر زمین است.

سرزمین پهناور ایران با اقلیم‌ها و زیر اقلیم‌های گوناگون از خشک‌ترین اراضی تا سرسبزترین نقاط تحت تأثیر میزان نزولات آسمانی، ارتفاع از سطح آب‌های آزاد، پستی و بلندی‌ها، شدت تابش نور خورشید، طول روز، کیفیت آب و خاک و پوشش گیاهی متنوع، برخوردار از ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل می‌باشد. استفاده یا بهره‌برداری بهینه از این استعدادها مستلزم شناخت صحیح توانایی‌هایی است که در پهنه‌های آب و هوایی کشور وجود دارد. این توانایی‌ها که اصطلاحاً منابع طبیعی (تجدیدشونده) نامیده می‌شوند. به‌ویژه جنگل‌ها و مراتع و نحوه استفاده از آنها در فقه اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران جایگاه تعریف شده‌ای دارد.

طبق اصل ۴۵ قانون اساسی، زمین‌های موات یا رها شده، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست و همگی بخشی از منابع و نعمت‌های الهی هستند، به‌عنوان انفال و ثروت‌های



عمومی شمرده شده‌اند که در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید و ترتیب و تفصیل استفاده از هر یک را هم به قانون محول نموده است. در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، بدون بهره‌برداری بهینه از منابع و نعمت‌های الهی، نمی‌توان به پایداری هیچ یک از اقدامات و تحقق هیچ یک از اهداف در حوزه‌های مختلف، امیدی داشت زیرا این منابع بستر حیات هستند و صدمه دیدن آن، ادامه حیات انسان، جانوران و گیاهان را مواجه با خطر می‌سازد. بنا به فرمایش مقام معظم رهبری «حفظ منابع طبیعی از قبیل جنگل‌ها و مراتع یک مسئله تجملاتی نیست، بلکه یک مسئله حیاتی است و از اولویت‌های توسعه پایدار است. توسعه‌یافتگی پایدار هر کشوری به توسعه یافتن منابع در اختیار است که یکی از منابع مهم در اختیار، جنگل‌ها و مراتع است». با توجه به شرایط اقلیمی گوناگونی که کشور ایران از آن برخوردار است، بهره‌برداری از این منابع نیز بایستی از اصول و ضوابط خاص خود تبعیت نماید و هرگونه بی‌توجهی به این اصول و بهره‌برداری نابخردانه، به‌منزله کفران نعمت‌های الهی است و موجب محروم ماندن جامعه از مواهب حیات است.

۳- ارتقاء شرایط زندگی و درآمد تولیدکنندگان با مشارکت و رعایت حقوق اجتماعی، آزادی و کرامت آنان

فقر مالی، سلامت روان و ایمان آدمی را در معرض خطر قرار می‌دهد و او را از طی مسیر فطری خویش باز می‌دارد. غلبه بر فقر نیاز به مهارت‌های خاص دارد و به‌کارگیری صحیح این مهارت‌ها در اداره امور جامعه می‌تواند به کاهش تأثیرات این عامل منفی در زندگی مردم منجر گردد. فقر غذایی یکی از جلوه‌های بارز این پدیده در جوامع بشری و نشانی از عدم پیشرفت به شمار می‌رود و پایه و اساس برون‌رفت از آن، چگونگی سعی و تلاش ما در راستای رفع این پدیده است.

بند ۱۲ اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه را جزء وظایف دولت می‌داند و انجام این وظیفه را از جمله راه‌های رسیدن



به قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی برمی‌شمرد.

هر چند فقر یک پدیده چند بعدی است و تحت تأثیر مجموعه‌ای از شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی قرار دارد اما در اینکه وجود زمینه‌های مناسب برای فعالیت‌های کشاورزی و بهره‌برداری صحیح از این زمینه‌ها می‌تواند به رفع فقر و گرسنگی کمک نماید تردیدی نیست. این اقدام در مورد کلیه اقشار جامعه به‌طور عام و در خصوص روستائیان و کشاورزان به‌طور خاص واجد معنا است و به عبارتی حرکت به سمت کشاورزی پیشرفته، یکی از نقاط مهم حرکت سیاست‌های مبارزه با فقر است زیرا در کشاورزی پیشرفته، ضمن بهره‌گیری از مواهب الهی، پایداری محیط‌زیست و منابع طبیعی نیز تضمین و بهبود زندگی و درآمد تولیدکنندگان به‌عنوان یکی از بایدهای اساسی در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها جایگاه مناسب خود را پیدا می‌کند. روشن است که حضور و مشارکت فعال تولیدکنندگان، در جامعه کشاورزی و مناطق روستایی، شرط اساسی موفقیت سیاست‌ها و برنامه‌های مناسب برای بهبود زندگی و درآمد آنان است و این شرط هنگامی تحقق می‌یابد که نسبت به حقوق، آزادی و کرامت تولیدکنندگان آن‌گونه که در شأن انسانی آنان است تعهد و توجه کافی فراهم شود.

۴- ارتقاء امنیت غذایی و بهبود سلامت جامعه با اتکا به تولید پایدار و کاربرد فناوری‌های نوین

امنیت غذایی، اصطلاحی است که در اسناد بالادستی نظیر سیاست‌های کلی نظام در زمینه کشاورزی و سند چشم‌انداز و قوانین برنامه مورد استفاده قرار گرفته و عبارت است از امکان دسترسی تمام مردم به غذای کافی، در تمام اوقات، به‌منظور زندگی سالم و فعال. امنیت غذایی وظیفه‌ای است که همه دولت‌ها بر عهده دارند فارغ از اینکه این غذا از چه طریق و منبعی (داخلی و خارجی) تأمین شود و هریک از کشورهای جهان به فراخور امکانات و توانایی‌های خود، سیاست‌های خاصی را در این زمینه برمی‌گزینند. در این سیاست‌ها، شاخص‌های کمی و کیفی که نشان می‌دهد غذای کافی یعنی چه و شیوه دسترسی هر یک



از آحاد جمعیت کشور به این غذا چگونه است تعیین می‌شود. همچنین بخش بزرگی از سلامت جامعه موکول به استفاده از غذای سالم است که هم از حیث کیفیت مواد غذایی هم از حیث ترکیب مواد مختلف، دارای ضوابط شناخته شده و پذیرفته شده علمی باشد. تأمین غذای کافی و سالم برای جمعیت کشور صرفاً از منابع غیرداخلی نه ممکن است نه معقول، زیرا اولاً کشاورزی کشور دارای قابلیت‌های بالفعل و بالقوه‌ای است که می‌تواند در این زمینه نقش اول را ایفا نماید، ثانیاً بنابر بند سیزدهم از اصل سوم قانون اساسی، دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است همه امکانات خود را در امور مختلفی از جمله تأمین خودکفایی در کشاورزی به کاربرد تا به قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی نایل شود. ثالثاً مجموعه آگاهی‌های علمی و اجرایی کشور و بررسی‌های همه‌جانبه‌ای که در رابطه با سیاست‌های کلیدی بخش آب و کشاورزی تاکنون مورد بهره‌برداری قرار گرفته تأمین امنیت غذایی با اتکا بر توان تولید داخلی را در صدر سیاست‌های کلی نظام و برخورداری جامعه ایرانی از سلامت و امنیت غذایی را به‌عنوان یکی از بندهای مهم سند چشم‌انداز قرار داده است. لذا موضوع امنیت غذایی و سلامت جامعه همواره بایستی به‌عنوان یکی از مبانی تدوین الگوی پیشرفت کشاورزی مدنظر باشد.

۵- حفظ و گسترش سرسبزی عرصه‌های مختلف کشور به‌منظور کاهش بلایای طبیعی، تداوم حیات، تأمین امنیت خاطر و نشاط جامعه

بلایای طبیعی مانند سیل‌ها، برخاست ریزگردها، طوفان‌های شن، فرو نشست دریاچه‌ها، خشکی چشمه‌سارها، مرگ رودخانه‌ها، شور شدن اراضی و نظایر آن. عموماً ناشی از فقر و نابودی پوشش گیاهی در عرصه جنگل‌ها، مراتع، بیشه‌ها و بوته‌زارها و رفتارهای غیراصولی در مدیریت خاک‌های زراعی است. خطرات حاصل از چنین پدیده‌هایی به جابجایی ناخواسته جمعیت‌ها و فشار بر منابع طبیعی منجر شده و در شرایط بحرانی می‌تواند تا سقوط و انقراض پایه‌های تمدن در مناطق مختلف ادامه یابد. از دیگر سو تدبیر و دوراندیشی در شیوه مدیریت نزولات آسمانی و بهره‌برداری اصولی از منابع خاک و تقویت



پوشش گیاهی، عامل مهمی در گسترش سرسبزی کشور و حفظ محیط‌زیست در شرایط مختلف آب‌وهوایی است.

تجربیات دیرینه‌ای در حوزه‌های آبخیز وجود دارد که نشان می‌دهد به‌موازات حفظ و گسترش پوشش گیاهی، زمینه‌ها و شرایط لازم برای ایجاد و توسعه آبادی‌ها و در نهایت آبادانی سرزمین فراهم می‌شود و در مسیر این اقدامات، دامنه خسارات به تأسیساتی نظیر سدها و شبکه‌های آبرسانی و آبیاری، نواحی صنعتی و مناطق مسکونی کاهش و ضریب اطمینان برای بر خورداری جمعیت کشور از هوای پاک افزایش می‌یابد. ذخایر متنوع ژنتیکی کشور نیز حاکی از آن است که در اقلیم‌های مختلف از کوهستان تا کویر می‌توان با حفاظت و توسعه رویشگاه گونه‌های بیشمار از گیاهان، به صورتی درازمدت و پایدار، سرسبزی کشور را، هم به لحاظ طبیعی و هم از جنبه‌های اقتصادی، به نحوی شایسته بهبود بخشید. به عبارتی فارغ از سایر مبانی اختصاصی در حوزه آب، امنیت غذایی و منابع طبیعی، همین مبنا به‌تنهایی قادر است عرصه را برای مجموعه فعالیت‌های اقتصادی، زیست‌محیطی، اجتماعی و فرهنگی هموار سازد.

رشد پایدار و باثبات در زمینه‌های کشاورزی، آب و منابع طبیعی، موجبات وفور نعمت و تأمین امنیت خاطر مردم را از حیث دسترسی به نیازهای اساسی آنان فراهم می‌سازد که همین موضوع به کاهش التهابات و تنش‌های فردی و گروهی در جامعه کمک می‌نماید و حالتی را در جامعه سبب می‌شود که به‌طور کلی نشاط اجتماعی تلقی می‌شود و این نشاط ناشی از دو ویژگی خاص است یکی تأثیری که از سرزندگی و آبادی باغات و مزارع و جنگل‌ها و مراتع حاصل می‌شود و دیگری آثاری که دسترسی ساده و گسترده به مواد غذایی تازه و فراوری شده در رفتار مردم به وجود می‌آورد.

۶- سازگاری پویا و پایدار با شرایط اقلیم خشک و نیمه‌خشک کشور و مقابله با اثرات تغییرات اقلیمی از طریق تولید و پیوند فناوری‌های نوین و بومی مورد نیاز

بیش از ۹۵ درصد مساحت کشور در اقلیم خشک و نیمه‌خشک قرار دارد و اکثر مناطق با پدیده خشکی و خشکسالی مواجه می‌باشند. ایرانیان در قرون گذشته با ابداع فناوری‌های



مناسب نظیر احداث قنات، تأسیسات بهره‌برداری و مدیریت آب و بهره‌برداری بهینه از منابع طبیعی تجدیدشونده محدود در مناطق خشک و نیمه‌خشک کشور توانستند هزاران سال با این شرایط اقلیمی سازگاری فعال داشته باشند و غذای اساسی مورد نیاز جامعه را تولید نمایند. متأسفانه در نیم‌قرن گذشته قابلیت‌ها و محدودیت‌های اقلیمی کشور مورد غفلت قرار گرفت و در ارتقاء آگاهی جامعه، تولید فناوری‌های مناسب و سیاست‌گذاری لازم کوتاهی به عمل آمد.

به‌علاوه تغییرات اقلیمی در سطح جهان که عمدتاً ناشی از تخریب محیط‌زیست و منابع طبیعی است و توسعه صنعتی که بر محور استفاده از سوخت‌های فسیلی و تولید گازهای گلخانه‌ای نظیر دی‌اکسید کربن، متان و دی‌اکسید نیتروژن است، باعث گرم شدن کره زمین و در نتیجه افزایش میزان ذوب شدن کوه‌های یخی، یخچال‌های طبیعی، وقوع طوفان‌ها و سیلاب‌های گسترده در سطح جهان شده و در بسیاری از مناطق جهان از جمله ایران موجب کاهش میزان بارندگی و گسترش پدیده خشکسالی گردیده است. لذا ضروری است با آموزش عمومی، تولید فناوری‌های جدید و بهره‌گیری از دانش بومی با این چالش‌ها مقابله لازم به عمل آوریم و حیات و تمدن شهرها و مناطق مختلف کشور را حفظ نماییم.

۷- صادرات با توجه به مزایای رقابتی محصولات و خدمات فنی و مهندسی

سرمایه‌گذاری و مشارکت بخش خصوصی در تولید محصولات کشاورزی نظیر گیاهان دارویی، انواع میوه، سبزیجات و همچنین خدمات و فناوری‌های گوناگون در این حوزه می‌تواند با توجه به مزایای رقابتی آنها منجر به توسعه صادرات در سطح منطقه و جهان شود. حضور دائمی بخش خصوصی ایران در بازارهای خارجی با بهره‌برداری از مزایای تنوع اقلیمی کشور در تولید محصولات گوناگون و توان علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی در این حوزه علاوه بر ارتقاء مستمر استانداردهای ناظر بر تولید و خدمات فنی و مهندسی در داخل، عاملی موثر در توسعه توان اقتصادی و حفظ و گسترش روابط برون‌مرزی کشور در زمینه‌های مختلف می‌باشد.



ذکر این نکته ضروری است که یکی از موجبات پیشرفت علمی و فنی در این حوزه، حضور در عرصه بازارهای جهانی است و از این رهگذر امکان ارتقاء استانداردهای ملی در زمینه‌های مختلف از جمله مصرف بهینه آب و سایر عوامل تولید و ارتقاء کمی و کیفی عملکردها تسهیل می‌شود.

۸- استقرار جمعیت متناسب با منابع خدادادی، شرایط اقلیمی و آمایش سرزمینی

مدیریت جابجایی جمعیت روندی است که تحت تأثیر عوامل مختلف قرار دارد و در بین این عوامل، خشکی سرزمین و محدودیت منابع آب، فرسایش خاک و تخریب زیست‌بوم‌ها از اهمیت بالایی برخوردارند. در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، مجموعه سیاست‌ها و رفتارها بایستی دارای سمت و سویی باشد که به استقرار متوازن جمعیت بر اساس ظرفیت‌های موجود و قابلیت‌های بالقوه نقاط مختلف کمک نماید.

مدیریت هماهنگ در حوزه آب، محیط‌زیست، کشاورزی و منابع طبیعی یکی از راهکارهای طبیعی برای تجهیز مناطقی است که فاقد برخورداری هستند یا در برخورداری محدودی به سر می‌برند. هرچند در چنین مواردی استفاده از حمایت‌های دولتی در اولویت قرار دارد اما سیاست‌های مناسب جمعیتی باعث می‌شود که مشارکت و همکاری و مسئولیت‌پذیری مردم برای حفظ، تکمیل و توسعه و بهره‌برداری از مناطق نوآباد و رعایت اعتدال فنی و اقتصادی در مناطق آباد، امکان عمل یابد و فشار جمعیت بر مناطقی که دارای برخورداری‌های متوسط یا نسبتاً محدود هستند کاهش یابد. این موضوع به‌خصوص در مورد مناطق خشک و کم‌جمعیت نظیر شرق و جنوب و مرکز کشور حائز اهمیت است. با توجه به امکان بهره‌گیری از شیوه‌های بسیار پیشرفته تولید، اصولاً گرایش به سمت فناوری‌های نوین و تولید دانش‌بنیان که بتواند در چهارچوب سیاست‌ها و راهبردهای آمایشی، شرایط و زمینه استقرار جمعیت مولد را برای استفاده از منابع خدادادی و قابلیت‌های اقلیمی در چنین مناطقی فراهم سازد، بایستی به‌عنوان یکی از مبانی اساسی در حوزه آب، محیط‌زیست، کشاورزی و منابع طبیعی دیده شود، به‌نحوی که سرریز جمعیت



شاغل و وابسته به این حوزه، به سایر حوزه‌ها تأثیری منفی در روند تولیدات مورد انتظار نداشته باشد و به اقتصادی ماندن تولید در این حوزه نیز کمک نماید.



پوست

پیشنهادات ارائه شده در نشست‌های اندیشکده در مورد تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت حوزه آب، محیط‌زیست، امنیت غذایی و منابع طبیعی

مقدمه

رهبر معظم انقلاب اسلامی در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» فرمودند: این الگو، نقشه جامع است، به ما می‌گوید که به کدام طرف، به کدام سمت، برای کدام هدف داریم حرکت می‌کنیم. طبعاً ... وضعیت مطلوب باید تصویر شود و چگونگی رسیدن از وضع موجود به آن وضع مطلوب هم بایستی بیان شود. همچنین ایشان به این مطلب اشاره داشتند که اگر ما توانستیم به حول و قوه الهی، در یک فرایند معقول، به الگوی توسعه اسلامی- ایرانی پیشرفت دست پیدا کنیم، این یک سند بالادستی خواهد بود نسبت به همه اسناد برنامه‌ای کشور و چشم‌انداز کشور و سیاست‌گذاری‌های کشور. یعنی حتی چشم‌اندازهای بیست‌ساله و ده‌ساله که در آینده تدوین خواهد شد، باید بر اساس این الگو تدوین شود، سیاست‌گذاری‌هایی که خواهد شد - سیاست‌های کلان کشور- باید از این الگو پیروی کند و در درون این الگو بگنجد. در خصوص عرصه‌های پیشرفت نیز فرمودند عرصه‌های این پیشرفت را به‌طور کلی باید مشخص کنیم. چهار عرصه اساسی وجود دارد، که عرصه زندگی - که شامل عدالت و امنیت و حکومت و رفاه و این چیزها می‌شود - یکی از این چهار عرصه است... در درجه اول پیشرفت در عرصه فکر است... عرصه دوم، عرصه علم است ... عرصه سوم، عرصه زندگی است... همه چیزهایی که در زندگی یک جامعه به عنوان مسائل اساسی و خطوط اساسی مطرح است، در همین عنوان «عرصه زندگی» می‌گنجد، مثل امنیت، مثل عدالت، مثل رفاه، مثل استقلال، مثل عزت ملی، مثل آزادی، مثل تعاون، مثل حکومت. ... عرصه چهارم - که از همه اینها مهم‌تر است و روح همه اینهاست - پیشرفت در عرصه معنویت است. ما

بایستی این الگو را جواری تنظیم کنیم که نتیجه آن این باشد که جامعه ایرانی ما به سمت معنویت بیشتر پیش برود.

گروه کشاورزی و منابع طبیعی مرکز که از اول آذرماه سال ۱۳۹۳ به اندیشکده آب، محیط‌زیست، امنیت غذایی و منابع طبیعی تغیر ساختار یافت، از اوایل تیرماه سال ۱۳۹۱ کار خود را آغاز نمود و با تکیه بر این موضوع که پیشرفت در حوزه کشاورزی، آب و منابع طبیعی و محیط‌زیست نقش ویژه‌ای در پیشرفت همه‌جانبه کشور دارد، در طی نه نشست تخصصی در سال ۹۱ تا ۹۳ مباحث مهمی را موردتوجه قرار داده است. از جمله در باب خطوط راهنمای کلی که در تدوین الگوی پیشرفت یا تبیین جایگاه این حوزه در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بایستی مدنظر قرار گیرد، بررسی و تبادل نظرهایی را انجام داده است. این گزارش در برگزیده نتایج حاصل از نشست‌های مذکور در زمینه خطوط راهنمای تدوین الگوی پیشرفت در حوزه آب، محیط‌زیست، امنیت غذایی و منابع طبیعی می‌باشد.

نکاتی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

در اصل دوم قانون اساسی «استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها» به‌عنوان یکی از راه‌های تأمین قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی تعیین گردیده است و در اصل چهل و سوم «تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند» به‌عنوان یکی از ضوابط ۹ گانه که اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر آنها استوار می‌شود، ذکر شده است.

اصل پنجاهم این موضوع مهم را تبیین می‌کند که «حفاظت محیط‌زیست که نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی روبه رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این‌رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط‌زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است».

اصل چهل و پنجم نیز به این موضوع اساسی تأکید دارد که «زمین‌های موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها،



نیزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست... از جمله انفال و ثروت‌های عمومی محسوب شده که در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید»، توجه به این اصول، الزاماتی را که در تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در حوزه آب، محیط‌زیست، کشاورزی و منابع طبیعی دارای اهمیت خاص است به دست می‌دهد.

پیشنهادات در نشست‌های اندیشکده

در نشست‌های علمی و تخصصی اندیشکده در طی سال‌های مختلف، مواردی به‌عنوان خطوط راهنما برای تدوین الگوی پیشرفت در حوزه اختصاصی مطرح گردیده است که به‌اختصار به آنها اشاره می‌شود.

۱. بهتر است ابتدا تلاش اندیشمندان بر این امر استوار باشد که الگوی پیشرفت منبعث از قانون اساسی تنظیم و پس از آن الگوی اختصاصی نوشته شود.
۲. الگوی پیشرفت کشاورزی باید تفاوت اساسی با برنامه‌های معمول و متعارف کشور داشته باشد و از ضرورت‌های تدوین الگو هم همین تفاوت‌های اساسی است.
۳. به دلیل ارتباط بخش کشاورزی و منابع طبیعی با مبانی عقیدتی، این بخش جایگاه ویژه‌ای در الگوی پیشرفت کشور دارد.
۴. برای دستیابی به الگوی مناسب پیشرفت، شناخت کافی از سه دسته بحران ناشی از فناوری، بحران ناشی از حکمرانی بد دولتمردان و مدیریت نادرست منابع و بحران ناشی از زندگی مصرف‌گرایی افراطی ضروری است.
۵. در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، توسعه پایدار کشاورزی و مدیریت بهینه آب، محیط‌زیست و منابع طبیعی بایستی تضمین شود.
۶. در تنظیم الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، بایستی محوریت محیط‌زیست، امنیت غذایی، آب و منابع طبیعی مورد توجه قرار گیرد.
۷. اگر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با حرکتی مبتنی بر کمال و معنویت و ارزش‌ها، نتایج مورد انتظار را در کل جامعه و در همه ابعاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برآورده



- کند، جامعه کشاورزی نیز از همین حرکت مبتنی بر کمال و معنویت و ارزش‌ها برخوردار شده و به تبع آن، نتایج مورد انتظار در تأمین امنیت غذایی را برآورده می‌سازد.
۸. در فرآیند توسعه و به‌عنوان یکی از موارد مهم چهارچوب نظری پیشرفت کشاورزی و مدیریت صحیح منابع، بایستی به اصالت کشاورز و بهره‌بردار توجه شود و در تدوین الگو به انسان به‌عنوان عامل اصلی نگریسته شود.
۹. در الگوی پیشرفت، بایستی نابرابری‌ها و اختلافات درآمد و منزلت کشاورزان و جوامع روستایی با سایر گروه‌های اجتماعی تعدیل شود، امنیت سرمایه‌گذاری و اجتماعی افزایش یابد، کار کشاورزی و تولید به‌عنوان یک ارزش تلقی شود، سطح رفاه جامعه روستایی بهبود یابد و در بازمهندسی مدیریت پیشرفت در مناطق روستایی و کشاورزی، از تجربه‌های مدیریت مبتنی بر جوامع محلی، همیاری، همدلی و همنوایی استفاده شود.
۱۰. برای رسیدن به الگویی که انسان در آن محور است و کارکردهای خاص خودش را دارد، با لحاظ کردن منابع پایه، دانش و انسان بایستی از مهندسی‌سازی در ابعاد مختلف برای نظام‌مند کردن فعالیت‌ها استفاده نمود.
۱۱. پیشرفت در الگوی اسلامی ایرانی مبتنی بر راهبردهایی است که بر اساس مأموریت‌های بخش‌های مختلف و تحلیل‌های محیطی و منبعث از ارزش‌ها محقق خواهد شد.
۱۲. در تدوین الگوی پیشرفت باید اولویت‌ها، اهداف اصلی و فرعی و نیازهای آینده جامعه مشخص باشد.
۱۳. با تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بایستی امکان چاره‌اندیشی برای حل و رفع خلأها و تنگناهای مربوط به کل حوزه آب، محیط‌زیست، کشاورزی و منابع طبیعی به وجود آید.
۱۴. در الگوی پیشرفت، دسترسی تمام مردم به غذای کافی، در تمام اوقات، به‌منظور زندگی سالم، فعال و شرافتمندانه به‌عنوان تعریف مطلوب امنیت غذایی انتخاب شود.



۱۵. در الگوی پیشرفت، استفاده درست از علم و آینده‌نگری به‌عنوان راهبردهای اساسی مورد توجه همه‌جانبه باشد.

۱۶. دستیابی به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت کشور بدون پیش‌بینی راه‌های مناسب برای مقابله و پرهیز از بحران آب امکان‌پذیر نمی‌باشد.

۱۷. در صورتی که منابع آب کشور و به‌طور کلی نزولات آسمانی به‌خوبی و به نحو بایسته مدیریت نشوند، بحران عظیمی فراروی ما قرار خواهد گرفت. بدین لحاظ باید بدانیم الگوی مناسب برای مدیریت بهره‌وری بهینه و اصولی منابع آب از مرحله تأمین تا مصرف آب در بخش‌های مختلف کشاورزی، صنعت، شرب، بهداشت و محیط‌زیست چیست و ضمانت‌های اجرایی برای پیاده‌سازی و رعایت دقیق این الگو چگونه باید باشد.

۱۸. پیوستگی همه‌جانبه منابع مختلف آب در مناطق بالادست و پائین‌دست، سطحی و زیرزمینی با یکدیگر و غیرقابل تفکیک بودن این منابع از مؤلفه‌ها و مسائلی که در اقتصاد آب و شیوه حضور و بهره‌برداری انسان در عرصه منابع طبیعی و به‌طور کلی محیط‌زیست مطرح است ایجاب می‌نماید که مدیریت به‌هم‌پیوسته منابع آب در تعریف و طراحی الگوی پیشرفت مدنظر باشد و برای دستیابی به این منظور بایستی فضای مناسب برای ورود رویکرد و اندیشه‌های جدید به مقوله « آب » فراهم شود و مسائل شکلی و محتوایی این مدیریت توأم با هم‌شناسایی و ساماندهی شوند.

۱۹. بحران فزاینده در خصوص منابع آب زیرزمینی ایجاب می‌نماید ضمن اندیشه در جهت راه‌یابی به الگوی مدیریت به‌هم‌پیوسته منابع آب، برنامه‌های ویژه‌ای برای نجات مناطق تحت خطر و بحرانی تهیه و به اجرا درآید.

۲۰. زیر مدل پیشرفت آب در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت باید برای پاسخ روشن به این سه مورد طراحی شود: چگونه آب بیشتر تولید کنیم؟ چگونه مصرف آب را بهینه کنیم؟ چگونه از آب‌های غیرمعارف استفاده کنیم؟

۲۱. برای الگوسازی باید تیمی از طراحان الگو بکار گرفته شوند، الگو بایستی کمیت بردار باشد و پروژه‌ها به عدد و رقم طراحی شوند.



۲۲. در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در بخش کشاورزی و منابع طبیعی بایستی مسائل مربوط به کاهش فقر و گرسنگی، بیلان منفی آب و نشست اراضی در اثر کاهش سطح آب‌های زیرزمینی، چالش‌های محیط‌زیست و انرژی، آموزش‌های راهبردی و فرهنگ‌سازی مقدماتی برای دستیابی به الگو موردبررسی همه‌جانبه و اصولی قرار گیرد.

۲۳. در الگوی پیشرفت بایستی استفاده از فناوری‌های نوین، افزایش بهره‌وری و سرمایه‌گذاری مناسب در امور تحقیق، آموزش و ترویج به‌عنوان فرصت‌های اساسی موردتوجه قرار گیرد.

۲۴. الگو نباید شعاری باشد، باید اهداف اصلی و فرعی آن مشخص باشد و دارای سیستم نظام‌مندی در خصوص تصمیمات خلاق، جامع‌نگر و آینده‌نگر باشد.

۲۵. در الگو بایستی اولویت‌ها در زمینه تولید، صادرات و واردات، راه‌های عملیاتی برای جهت‌دهی به دستگاه‌ها و نهادها و افق زمانی حرکت‌ها مشخص باشد.

۲۶. در سابقه دیرینه کشاورزی ایران، الگوی کشاورزی با الگوی مدیریت منابع آب‌و‌خاک دارای همسویی و رابطه‌ای تنگاتنگ بوده است، ولی در حال حاضر الگوی مناسبی که در شرایط مختلف اقلیمی ضمن پاسخگویی به نیازهای مرتبط با خوداتکایی مواد غذایی و حفظ محیط‌زیست کشور، مدیریت پایدار خاک و آب کشور را فراهم نماید در اختیار نداریم و بایستی در فرایند تدوین الگو چگونگی رفع این نارسایی موردتوجه قرار گیرد.

۲۷. توجه به جنبه‌های زیست‌محیطی و تلفیق مباحث مربوط به استفاده‌های تولیدی و بهره‌های زیست‌محیطی و لزوم پایش دوره‌ای از وضعیت و شرایط منابع خاک کشور و همچنین دستیابی به یک نقشه راه برای مدیریت، حفاظت و بهره‌برداری پایدار خاک از جمله مسائلی است که باید در تدوین الگوی پیشرفت لحاظ شود.

۲۸. مؤلفه‌های اصلی و کارکردی که بایستی تکلیف آنها در الگو روشن شود عبارتند از سیاست خارجی، سیاست داخلی، جهت‌گیری اجتماعی، جهت‌گیری‌های اقتصادی کلان، تعامل با خارج از کشور، نقش دولت در بهره‌برداری از منابع، نقش بخش خصوصی در



بهره‌برداری از منابع، جهت‌گیری‌های فناوری، جهت‌گیری‌های جغرافیایی، سیاست‌های بخشی.

۲۹. تبیین رابطه کامل، شفاف و سازنده بین خانوار کشاورز، نهادها و دولت از جمله الزامات اساسی تدوین الگوی پیشرفت است (منظور از خانوار کشاورز کلیه بهره‌برداران و تولیدکنندگان در عرصه‌های زراعت، باغداری، دام، طیور، شیلات و آبزیان، جنگل، مرتع و نظایر آنها می‌باشد).

۳۰. تعامل کافی و پایدار و اثربخش بین منابع پایه، منابع انسانی، منابع مالی، دانش، مهارت و آگاهی‌های فنی و مدیریتی بایستی در الگوی پیشرفت نهادینه و برقرار باشد.

۳۱. شرایط برای بهره‌گیری از انگیزه‌ها و اراده‌های سازنده و توسعه ظرفیت‌ها در مسیر توسعه فناوری، تکمیل زنجیره ارزش و ارتقاء بهره‌وری، گسترش کشاورزی صنعتی و توسعه منابع و مزیت‌های رقابتی بایستی در الگو همواره فراهم باشد.

